



# اقتصاد

Sun 29 Jan 2017  
No. 90

یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵  
سال دوم / شماره ۱۰۰۰/۹۰ تومان

A T I Y E H N O

آغاز دهه فجر سی و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بر همگان مبارک باد

افتتاح ۴۰ طرح عمرانی تامین اجتماعی در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

تشکیل شورای امنیت اطلاعات در تامین اجتماعی

دکتر نوربخش در همایش «چالش‌ها و راهکارهای امنیت فضای تبادل اطلاعات در حوزه تامین اجتماعی» خبر داد

داستان جلد  
COVERSTORY

## خروج زود هنگام!

### آیه نو تبعات بازنشستگی زود هنگام زنان و تاثیر آن بر چرخه اقتصاد ملی را بررسی می‌کند

#### بررسی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان لایحه بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه کار

با گفت و گوها و یادداشت‌هایی از: پروانه مافی، پروانه سلحشوری، سهیلا جلودارزاده، آذر منصوری، حجت‌الله میرزایی، علی حیدری، محمد پوستین‌دوز، فرشید یزدانی و حامد شمس

صفحات ۶ تا ۱۰ را بخوانید

عکس: امیر قادری

## شیب صعودی هزینه‌های خرید درمان

از سال ۹۰ تا ۹۴، هزینه بستری در مراکز طرف قرارداد تامین اجتماعی، بیش از ۴ برابر افزایش پیدا کرده است

نقاط کشور هم به دست بیمه‌شده‌ها می‌رساند تا حتی در جایی که مراکز ملکی هم به اندازه کفایت جمعیت وجود ندارد، بیمه‌شده از خدمات درمانی تامین اجتماعی محروم نماند. بر اساس آمارهای رسمی سالنامه آماری تامین اجتماعی، این سازمان در بخش خرید خدمت درمانی، هر ساله با افزایش چشمگیر هزینه‌ها روبه‌رو بوده است؛ به طوری که بر اساس اسناد رسمی...

پوشش ارائه خدمات را بسیار فراتر از مراکز ملکی گسترش دهد. این سازمان ضمن عقد قرارداد خرید خدمت با مراکز تشخیصی و درمانی در بخش دولتی و خصوصی، این خدمات را در دوره‌های اخیر بزرگ‌ترین خریدار خدمات درمانی تلاش کرده که

جدای از آنکه هزینه‌های بستری در مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی برای بیمه‌شده‌های این سازمان رایگان است، تامین اجتماعی به عنوان بزرگ‌ترین خریدار خدمات درمانی تلاش کرده که

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه حفظ اموال عمومی از اولویت‌های این سازمان است گفت: «در سازمان تامین اجتماعی حفظ حقوق فردی بیمه‌شدگان و رعایت حقوق عمومی به صورت هم‌زمان مورد توجه است.» به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی، دکتر سیدتقی نوربخش...

یادداشت یک • محسن زبانی

### ماموریت فراموش شده در توسعه

به طور کلی توسعه دو بعد اقتصادی (مادی) و فرهنگی و رفتاری دارد. بعد اقتصادی رفاه تولید می‌کند و بعد فرهنگی رفتاری رضایت‌تولید می‌کند. با این حال جامعه‌ای به توسعه می‌رسد که هم‌زمان بتواند این دو بعد را محقق کند و هم‌زمان رفاه را با رضایت تولید کند.

یادداشت دو • محمد پوستین‌دوز

### بازنشستگی زود هنگام، خبر خوبی برای زنان نیست!

وبترین

چتر، گذران

### می‌کوشیم پاسخگو باشیم

سیدرشانوروززاده، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی تاکید کرد

### چرا باید پوشاک ایرانی بپوشیم؟

### دل‌هایی که پلاسکو به هم نزدیک کرد

### رابطه انقلاب و سینما در آخرین سال‌های دهه ۵۰

### تهدیدات سایبری را جدی بگیرد!

قائم‌مقام وزیر رفاه در همایش «چالش‌ها و راهکارهای امنیت فضای تبادل اطلاعات در حوزه تامین اجتماعی» هشدار داد

دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی کشور گفت: «امنیت در تامین اجتماعی ایجاد بایردی در ارائه خدمت و این مهم‌ترین موضوع است.» سیدابوالحسن فیروزآبادی در همایش «چالش‌ها و راهکارهای امنیت فضای تبادل اطلاعات در حوزه تامین اجتماعی»...

### مقررات و بخشنامه‌های تامین اجتماعی، ساده‌سازی می‌شود

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در همایش سراسری روسا و کارشناسان واحدهای حقوقی تاکید کرد

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه حفظ اموال عمومی از اولویت‌های این سازمان است گفت: «در سازمان تامین اجتماعی حفظ حقوق فردی بیمه‌شدگان و رعایت حقوق عمومی به صورت هم‌زمان مورد توجه است.» به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی، دکتر سیدتقی نوربخش...





• یادداشت دو •

محمد بوستین‌دوز

## بازنشستگی زودهنگام، خبر خوبی برای زنان نیست!

انتظار می‌رفت لایحه برنامه ششم توسعه، برنامه‌های دربرگیرنده دغدغه‌های کارشناسان و اولویت‌های شناسایی‌شده باشد اما در شرایطی که مقام معظم رهبری امسال را، سال «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نام‌گذاری کرده‌اند و رئیس‌جمهوری نیز با در نظر گرفتن تنگناهای عمده کشور، اولویت‌های دولت یازدهم را در راستای رسیدگی به مسائلی ازجمله محیط‌زیست، صندوق‌های بازنشستگی و… مشخص کرده‌بود، به نظر می‌رسد هرچند برخی نکات مثبت در ارتباط با موضوع صندوق‌های بیمه اجتماعی و بازنشستگی در برنامه ششم توسعه به چشم می‌آید، اما با ساختار کنونی نتوانسته است آن‌گونه که باید دغدغه‌های اساسی را پاسخ گوید. به نظر می‌رسد بخش‌هایی از این برنامه، به‌شدت احساساسی و در خصوص مشکلات صندوق‌های بازنشستگی کمتر برخوردار از بار تخصصی است. خصوصا اینکه با تصویب برخی از موارد بدون در نظر گرفتن تبعات، این صندوق‌ها در معرض مشکلات جدیدی قرار گرفته‌اند. یکی از این موارد، افزودن ماده الحاقی در خصوص بازنشستگی پیش از موعد زنان ۲۰ یا سال سابقه بدون در نظر گرفتن شرط سنی است. نگرانی کارشناسان و صاحب‌نظران درباره این ماده الحاقی به لایحه برنامه ششم توسعه، ناشی از هل دادن برخی صندوق‌های دچار مشکل به سمت پرتگاه است. عده‌ای می‌گویند اگر یک‌قانون مخالف با منافع صندوق‌ها تصویب‌شود منابع آن صندوق‌ها را در مخاطره قرار داد، نهاد دولت به جبران بپردازد خاست؛ اما آنهایی که دستی بر آتش دارند می‌دانند که نهاد دولت در شرایط فعلی توانایی جبران این حجم از کسری‌ها را ندارد و شاید در کوتاه‌مدت بتواند کاری کند، اما درازمدت نمی‌تواند هزینه‌های سنگین این مصوبات را تامین کند.

علاوه بر این، در این مدت صحبت‌های زیادی چه موافق چه مخالف در باب این ماده الحاقی و تأثیرش بر صندوق‌های بازنشستگی شنیده‌ایم. عجیب‌ترین اظهارنظرها مربوط به بی‌تأثیر بودن این مصوبه در وضعیت سازمان تامین اجتماعی بود. با این توجیه که در قوانین سازمان تامین اجتماعی بازنشستگی با ۴۲ سال سن و ۲۰ سال سابقه برای زنان موجود است و این مصوبه قرار نیست تفاوتی در وضعیت فعلی ایجاد و هزینه‌چدیدگی تحمیل کند. اما نکته‌ای که در این صحبت‌ها مغفول می‌ماند این است که با حذف شرط سنی از این قاعده، و با توجه به اینکه خانم‌ها به‌سبب امتحان خدمت سربازی خیلی زودتر به بازار کار می‌پیوندند، خانم‌ها با سنین پایین‌تر از ۴۲ سال خود را بازنشسته می‌کنند و از جرگه بیمه‌پردازان جدا می‌شوند و این نوع بازنشستگی در دنیا بی‌نظیر است! علاوه بر این، این تفکر که با بازنشستگی پیش از موعد اشتغال ایجاد می‌کنیم، نادرست است و تجربه گذشته در این خصوص گواه است. ما در این زمینه امتحان پس داده‌ایم و بارها به‌انحای مختلف دیده‌ایم که بازنشستگی‌های پیش از موعد ایجاد اشتغال نکرده‌اند و این دو مقوله دارای رابطه علی و معلولی نیستند. بنابراین این قسم توجهات بیشتر احساسی هستند و پایه علمی ندارند.از طرف دیگر با اجرا شدن مصوبه بازنشستگی پیش از موعد، زنان زیادی در بدنه کارشناسی دستگاه‌های دولتی ریزش می‌کنند و این موضوع به‌منفع جامعه زنان نخواهد بود، چون تعداد زیادی از زنان بازنشستگی پیش از موعد از دستگاه‌ها خارج می‌شوند و جذب معادل این تعداد زن برای دولت ناممکن است. بنابراین تعداد شاغلان زن دستگاه‌های دولتی به‌شدت کاهش پیدا می‌کند و این خبر خوبی برای جامعه زنان نیست! مضاف بر این، اگر از زاویه دیگری به صحنه بنگریم، حضور زنان در جایگاه‌های مهم در سطوح مختلف کشور، و مشلا حضور همین نمایندگان خاتم در مجلس شورای اسلامی کشور، به‌واسطه حضور و قدرت چانه‌زنی شاغلان زنی است که در بدنه مدیریتی و کارشناسی دستگاه‌های دولتی نقش آفرینی می‌کنند. با خروج این افراد، زنان مدافعان خود را یعنی آثانی که در قانون‌گذاری‌ها و مسائل مهم مملکتی حضور دارند از دست خواهند داد؛ این زنان مادامی که در فضای کار هستند در جریان مسائل روز کشور قرار دارند اما به‌محض بازنشسته شدن از گود اخبار و تصمیم‌گیری‌ها به‌کلی دور می‌افتند. و اگرچه بسیاری از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی مدافع پرنرگتر شدن نقش زنان در عرصه‌های مهم هستند اما شاید توجه نکرده‌اند که با خروج ستون‌ها و سخن‌گویان قشر زن از فضای کار، بزرگ‌ترین صدمه به این قشر وارد می‌شود. صندوق‌های بازنشستگی هم وضعیت خوبی ندارند و بازنشستگی‌های پیش از موعد، باعث تحمیل بار مالی طولانی مدت به آن‌ها می‌شود و این صندوق‌ها را که نسبت به پشتیبانی برخی از آنها به کمتر از عدد یک رسیده، به وضعیت بغرنجی گرفتار می‌کند به طور کلی در صورت اجرا شدن قانون بازنشستگی پیش از موعد برای زنان به شرحی که در لایحه برنامه ششم توسعه مطرح شده است، جامعه زنان و صندوق‌های بازنشستگی تاوان سنگینی خواهند داد.

کارشناس حوزه رفاه و تامین اجتماعی

## بسته حمایتی تامین اجتماعی برای بخش خصوصی

معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان تامین اجتماعی از تدوین بسته حمایتی این سازمان برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان خبر داد. ولی‌الله افخمی‌راد در بیست‌ونهمین نشست کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران که برای بررسی برنامه‌های این کمیسیون طی دو سال گذشته برگزار شد، در خصوص ویژگی و محتوای این بسته حمایتی گفت: «این بسته در برگیرنده راه‌حل مشکلات و موانعی است که بخش خصوصی و سازمان تامین اجتماعی در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده‌اند و با اجرای آن بیش از ۶۰ درصد مشکلات واحدهای تولیدی و تجاری رفع می‌شود.» معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان تامین اجتماعی وعده داده این بسته حمایتی طی چند هفته آینده ارائه خواهد شد.



# حجت‌الله میرزایی، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از آثار و تبعات قانون بازنشستگی‌های پیش از موعد زنان می‌گوید: هزینه‌های سنگین برای تصمیمی بدون طرح، بدون لایحه!

در چهار دهه گذشته حدود ۳۰قانون و مصوبه در دولت و مجلس به تصویب رسیده که پیامد آنها کسری روزافزون صندوق‌ها بوده است ■ عکس: مرضیه فرحروانه



لایحه برنامه ششم توسعه در بهارستان، با وجود برخی امیدواری‌ها از جمله در زمینه پیش‌بینی پرداخت بدهی‌های نهاد دولت به صندوق‌های بیمه اجتماعی و بازنشستگی، پایان غافلگیرکننده‌ای داشت. در میان احکامی که نمایندگان در واپسین روزهای دی‌ماه مصوب کردند، بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه و بدون شرط سنی نیز گنجانده شد و در حالی که کلیات لایحه برای تایید نهایی به شورای نگهبان رفته، دیدگاه‌های کارشناسی مختلف در این باره و در مورد تبعات اقتصادی و اجتماعی این تصمیم همچنان ادامه دارد. عجیب‌تر آنکه برخی استدلال‌های عاطفی، احساسی و هیجانی، فضا را بر استدلال‌های کارشناسی تنگ کرده است.

آنجا که پای برآورد‌های کارشناسی در میان باشد، کارشناسان معتقدند این تصمیم علاوه بر بار مالی سنگین برای صندوق‌های بازنشستگی کشور، ممکن است بازار کار به‌شدت مردانه را از حضور زنان خالی‌تر کند. وجه دوم نگرانی‌ها، تکرار احتمالی چنین تصمیماتی است و برخی صاحب‌نظران معتقدند اگر شورای نگهبان، مهر تایید بر مصوبه بازنشستگی پیش از موعد زنان بزند، هیچ بعید نخواهد بود که هرروز و به دلایل مختلف افراد و گروه‌های بیشتری برای بازنشستگی مطالبه‌گری کنند و دولت و مجلس هم ناچار به پاسخگویی به آنها شوند. عده‌ای دیگر مسئله را از دریچه صندوق‌های بازنشستگی می‌نگرند. حجت‌الله میرزایی یکی از منتقدان سرسخت بازنشستگی‌های پیش از موعد است که از مصوبه اخیر نمایندگان متعجب شده و می‌گوید در شرایطی که فضای اجتماعی به طرز بی‌سابقه‌ای برای حمایت از صندوق‌ها مساعد بود، اصلا انتظار چنین بحثی را نداشته است. معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ضمن اینکه انگیزه‌های خیرخواهانه را در قوانین حمایتی پررنگ می‌بیند، آن را در بستری «غیرکارشناسی و تنها با ظاهری مردمی» تحلیل می‌کند و تأکید دارد درواقع این مردم بوده‌اند که در عمل هزینه‌های چنین تصمیماتی را پرداخته‌اند. میرزایی که از به کار بردن لفظ «بحران» برای مسئله صندوق‌ها اکراه دارد، سال ۹۵ را یکی از بدترین سال‌ها برای صندوق‌های بازنشستگی می‌داند. وی در گفت‌وگوی مفصلی که با آبی‌نو دانشت و در ادامه مشروح آن را می‌خوانید از «خطای تقلیل مباحث کلان به خرد» می‌گوید و اینکه منطق علمی، کارشناسی و حتی حقوقی لازم برای دفاع از بازنشستگی پیش از موعد زنان در مصوبه مجلس وجود ندارد.



• مسعود شاه‌حسینی •

• روزنامه‌نگار •

|||||

■ **اجازه دهید از اینجا شروع کنیم که صندوق‌های بازنشستگی ماهیتا چگونه نهادهایی هستند؟ آیا اساسا نهادهایی اجتماعی محسوب می‌شوند که کارکردهای اقتصادی هم دارند و یا از ابتدا باید به تاثیر و تأثرهای اقتصادی آنها توجه کرد؟**

صندوق‌های بازنشستگی اصالتا با اهداف اجتماعی ایجاد شده‌اند. نظام بازنشستگی درواقع بخشی محوری و اصلی در نظام تامین اجتماعی است که در دوره بعد از انقلاب صنعتی برای تداوم نظام تولید و برای ایجاد یک تفاهم میان کارگران، کارفرمایان و دولت به وجود آمد. نظام تامین اجتماعی و به طور مشخص صندوق‌های بازشستگی، تجلی دیدگاه‌های نوین در دوران مدرن تلقی می‌شوند که امکان تداوم مناسبات تولید و تعامل کارگر و کارفرما را فراهم کرده‌اند. به همین دلیل کارکردهای آنها بیش از آنکه اجتماعی باشد، اقتصادی است. درست است که ماهیت این نظام اجتماعی است اما کارکردهای اقتصادی نظام مالی آنها روزبه‌روز بیشتر شده است. نظام سرمایه‌داری به طور شکلی و ماهیتی روزبه‌روز پیچیده‌تر شده اما صندوق‌ها نیز همگام با این پیچیدگی بزرگ‌تر شده‌اند. و حتی زمینه‌های پیچیدگی بیشتر این نظام پیچیده را فراهم کرده‌اند و امروزه بزرگ‌ترین نهادهای مالی دنیا محسوب می‌شوند که طی این دوره دائما سپرده‌ها را از کارگران و کارکنان سازمان‌های بخش‌های عمومی و خصوصی جمع‌آوری کرده و بخشی را کرده‌اند، بخشی را سرمایه‌گذاری کرده و بخشی را مصروف خدمات اجتماعی کارگران و پرداخت مستمری بازنشستگان کرده‌اند. درحقیقت صندوق‌ها نهاد‌های چندکاره‌ای هستند که گاهی شبیه بانک‌ها وظیفه تجهیز و جمع‌آوری سرمایه را انجام می‌دهند و گاهی نیز مانند بنگاه‌های اقتصادی وظیفه‌شان سرمایه‌گذاری است. در پاره‌ای اوقات نیز

هرچند ممکن است

از موضوعی مانند

قانون بازنشستگی

زودهنگام زنان،

عده‌ای منتفع شوند

اما جامعه در مجموع

زیان می‌بیند. در مورد

این طرح ارزیابی من

این است که به دلیل

کاهش شدید سهم

زنان در مدیریت امور

جامعه، کلیت جامعه

زیان متضرر می‌شود و

این از خطاهای بزرگ

تاریخی است

مانند موسسات بیمه زمینه‌یجاد امنیت خاطر و کاهش باپوشش ریسک بلندمدت و دوره عمر را برای شهروندان فراهم می‌کنند و گاهی به ارائه خدمات درمانی به ذی‌نفعان خود می‌پردازند. درواقع صندوق‌ها موسسات چندکسب‌وکاره‌ای هستند که اگرچه مهم‌ترین فعالیت آن‌ها ارائه خدمات بیمه‌ای بلندمدت است و به‌نوعی بیمه و پشتیبان زندگی هستند، اما به همین اعتبار و برای امکان‌پذیری و تداوم بلندمدت بیمه‌های زندگی که زمینه‌ثبات اجتماعی و امنیت روانی را ایجاد می‌کنند، لازم است فعالیت اقتصادی داشته باشند.

■ **آیا این پیوند میان صندوق‌ها و محیط اقتصاد کلان و متغیرهای آن، که شما معتقدید روز به‌روز در ماهیت و کارکرد و به‌نوعی در پایه و اساس صندوق‌ها ریشه دوانده، آنقدر زیاد هست که به‌محض صحبت کردن از بحران صندوق‌ها، نگرانی‌هایی در سطح عمومی و کارشناسی برانگیخته شود؟**

تعریف بحران کمی دشوار است. گاهی اوقات حتی اگر بشود عنوان بحران را اطلاق کرد به دلایلی از این کار سر باز زده می‌شود. «بحران» درعین حال که واقعیت تلخی را به نمایش می‌گذارد، نگرانی‌های زیادی را برای مشترکین و مستعمری‌بگیران امروز و بیمه‌پردازان در انتظار بهره‌بردارزی از مزایای مستمری ایجاد می‌کند. مشترکین این صندوق‌ها، گروه‌های بسیار آسیب‌پذیر از حیث روانی و اجتماعی هستند و کلمات آسیب‌رسانی

مانند بحران، نگرانی‌های بزرگی برای آنها ایجاد می‌کند. شاید بهتر

باشد همان عبارات «نگرانی» و «چالش» را برای صندوق‌ها به

کار ببریم، اگرچه ممکن است ابعاد آن بسیار فراتر از نگرانی باشد.

حتی ممکن است عده‌ای از عبارات تندتری مانند فاجعه یا سونامی

استفاده کنند، اما من ترجیح می‌دهم در عین حال که ویژگی‌ها

و شاخص‌های این وضعیت نگران‌کننده را گوشزد می‌کنم، از کلماتی استفاده کنم که به نگرانی‌ها دامن نزند.

■ **شاید یکی از دلایل جدی نپرداختن به مسئله صندوق‌ها، همین اکراه و ترس از به کار بردن واژه «بحران» و روشن نشدن ابعاد مختلف موضوع باشد. به عبارتی زمانی که سطح کارشناسی این نظام این قدر محتاطانه رفتار می‌کند، شاید چندان دور از ذهن نباشد که اراده‌ای برای اصلاح صندوق‌ها شکل نگیرد.**

شاید علت این است که نظام سیاسی و نظام تصمیم‌گیری ما هنوز ایجاد و عمق مسئله صندوق‌ها را به‌خوبی نشناخته است و یا ما در شناخت این ایجاد و عمق آن کوتاهی کرده‌ایم. به گمان من تا زمانی که تفاهم جمعی هم در میان نخبانگ و روشنفکران و هم در میان سیاست‌گذاران و کارشناسان تصمیم‌ساز شکل نگیرد و ما به‌نوعی از وفاق و شناخت فرآگیر که ابعاد و عمق و دامنه مسئله را یکسان بپذیرند دست نیابیم مسئله صندوق‌ها حل نخواهد شد و این چیزی است که در حال حاضر فاصله زیادی تا دستیابی به آن داریم. متأسفانه نه‌تنها سیاست‌گذاران بلکه بسیاری از کارشناسان و نخبانگی که خودشان مشترک و صاحب‌این صندوق‌ها هستند، مثل اصحاب رسانه، روشنفکران، اساتید دانشگاه، صاحبان بنگاه‌ها، تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و… را سخت و پیچیده‌تر می‌کنند. از یک طرف

مجبوریم واقعیت بحران را تا آنجا که می‌شود عریان و حتی گاهی

با بزرگ‌نمایی ارائه کنیم اما در پاره‌ای اوقات نیز دشوره آن را داریم

که نمایش عریان واقعیت‌های تلخ به یک جامعه بزرگ با آستانه

روانی پایین آسیب‌های زیادی وارد کند. به هر روی من متقدم



یکشنبه • ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ • شماره نود

|||||

A T I V E H N O

که باید روش‌ها و بسته‌های اطلاع‌رسانی ویژه‌ای را برای دو گروه نخبانگ و سیاست‌گذاران اجتماعی فراهم کنیم.

■ **واقعیت این است که بسیاری از گروه‌هایی که با برخی مصوبات بر سر سفره صندوق‌ها نشسته‌اند، همان‌هایی هستند که بهره مناسب و مکفی از سیاست‌های بازتوزیع ارزش افزوده نبرده‌اند و به سطح مورد انتظار رفاهی دست نیافته‌اند و حاصل این شده که سیاست‌گذار و قانون‌گذار به دنبال اصلاح شرایط آنها از دریچه صندوق‌ها می‌رود. بله، درست است. یکی از عوامل مهم در وضعیت امروز صندوق‌ها، نوسانات اقتصاد کلان بوده است. ما سال‌ها اقتصادی پرنوسان و ناباور داشتیم. اقتصادی بی‌ثبات که در بسیاری از متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار مانند سطح عمومی قیمت‌ها، رونق‌یابی رکود و تورم در بخش‌هایی مانند مسکن و صنایع وابسته و زنجیره ارزش آنها، نوسانات بسیار شایع بوده است. در کنار نوسانات نرخ ارز و افزایش دائمی آن در ۴۰ سال گذشته، تورم دائمی و دورقمی بوده و متوسط بالای ۱۵ درصد در بسیاری از سال‌ها، میانگین پایین نرخ رشد اقتصادی و نرخ پایین رشد اشتغال که متوسط آن ۲ درصد بوده است، باید بی‌ثباتی‌های نظام بانکی و بازار سرمایه را هم قرار داد. این‌ها متغیرهایی هستند که در زندگی خانوار به‌شدت تأثیر گذاشته و قدرت خرید آنها را دستخوش تغییرات زیاد و تضعیف‌های طولانی کرده است. بنگاه‌های اقتصادی هم وضعیت مشابهی دارند. صندوق‌ها با بنگاه‌هایی مواجه بوده‌اند که دائما قدرت زایندهگی‌شان کاهش پیدا کرده است. نرخ بازدهی اقتصادی آنها کاهش یافته و بحران‌هایی که انرژی و منابع مالی صندوق‌ها را به خود معطوف می‌کرده روزبه‌روز بیشتر شده است. در بخش تولید با رکود تورمی دائم مواجه بوده‌ایم و در کنار نوساناتی که در بازارهای اصلی وجود داشته امکان برنامه‌ریزی برای خانوارها و بنگاه‌ها از بین رفته است. بار اصلی هر دو وجه این مسئله بر دوش صندوق‌ها بوده است. ظرفیت تولید و توان اشتغال‌زایی بنگاه‌ها به‌شدت کاهش یافته. قدرت خرید خانوارها دائما پایین آمده و نهاد دولت نیز امکان جبران این کاهش قدرت خرید را نداشته است. صندوق‌ها نیز مجبور بوده‌اند متناسب با تورم پرداختی‌ها به مستعمری‌بگیران خود را جبران کنند.**

■ **اگر قرضی به عقب برگردیم، خواهیم دید که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران بر ضرورت اقدام عاجل برای حل مسئله صندوق‌ها تأکید می‌کردند و اتفاقا شواهد هم نشان می‌داد که این گونه خواهد شد. چه اتفاقی افتاد که نه‌تنها وضعیت صندوق‌ها از اولویت برنامه خارج شد بلکه مصوباتی چون بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه و بدون شرط سنی در برنامه ششم گنجانده شد؟**

فکر می‌کنم دولت در حذف اولویت صندوق‌ها چند استدلال داشت. یکی شرایط رکودی و غیرمتعارف بودن شرایط اقتصادی کشور بود و دیگری تجربیات یونان و ممالک دیگر در حوزه آمریکای لاتین که تغییرات در صندوق‌های بازنشستگی زمینه‌ساز بحران‌های سیاسی و اجتماعی در آنها شد. واقعیت این است که در عالم سیاست، این مشابه‌سازی‌ها بسیار سریع صورت می‌گیرد و به‌قدرت تکثیر می‌یابند. ضمن اینکه در داخل اقتصاد نیز منابع مالی دولت اجازه نمی‌داد که از اصلاحات در صندوق‌ها پشتیبانی کند. به‌نظرم سیاست‌های اصلاحی در شرایطی امکان‌پذیر است که هم دولت منابع پشتیبان‌کننده مالی خوبی داشته باشد و هم اقتصاد در وضعیت رونق خوبی باشد تا بتواند از این‌ها حمایت کند. در این شرایط که با نرخ‌های بالای بیکاری مواجهیم و همین‌طور خروج فراینده نیروی کار از چرخه تولید به دلیل شرایط رکودی، می‌توان به دولت حق داد که نگرانی‌هایی داشته باشد و اصلاحات را به زمان دیگری موکول کند.

■ **اما مسئله این است که شرایط اعمال اصلاحات هم سخت‌تر می‌شود. بر تعداد مصوبات برهه‌زنده تعادل منابع و مصارف صندوق‌ها به‌تدریج افزوده شده؛ مثلا بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه و بدون شرط سنی از نگاه کارشناسان یکی از عجیب‌ترین موضوعاتی است که به برنامه ششم توسعه الحاق شد. آثار و**

**تبعات این مصوبه و به‌خصوص بار مالی آن بر صندوق‌های بازنشستگی و عمدتا هم صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تامین اجتماعی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. ارزیابی شما از این مصوبه در صورت**



## خطر ورشکستگی در کمین صندوق‌های باننشستگی

علی‌ق‌دیبانی از اعضای سابق شورای عالی بیمه با انتقاد از تصویب قانون باننشستگی پیش از موعد زان با هشدار نسبت به ورشکستگی صندوق‌های باننشستگی گفت: «وظایف دولت نسبت به صندوق‌های باننشستگی در حال افزایش است و تا این لحظه نیز اعتباری برای اجرای این طرح مشخص نشده‌است.» وی با بیان اینکه در حال حاضر ورودی عمده صندوق‌های بیمه‌ای بسته شده، به «فارس» گفت: «در مقابل خروجی صندوق‌ها بسیار بالاست و این نهادها قادر به تأمین چنین حجمی از درخواست‌های باننشستگی نیستند.» ق‌دیبانی افزود: «ساختمان جمعیتی کشور ما در حال حرکت به سمت سالمندی است و این مصوبات نیز علاوه بر تشدید تغییر ساختار جمعیتی، فشار زیادی به صندوق‌ها وارد می‌کند.»

یکشنبه • ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ • شماره نود

A T I V E H N O

**تایید نهایی شورای نگهبان چیست؟**

این قانون دو کارکرد دارد؛ یکی کارکرد مالی و آثاری که بر صندوق‌ها خواهد داشت و دوم اثرات آن بر سهم زنان در بازار کار. زنان ۱۴ درصد از کل شاغلان بازار کار ایران را تشکیل می‌دهند. حدود یک‌سوم از این ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر زن شاغل، مشمول قانون باننشستگی با ۲۰ سال سابقه خواهند شد. یعنی حدود یک میلیون نفر. تجربه نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق زنان از این مصوبه استفاده خواهند کرد. دلیل بسیار آشکار هم این است که زنان اشتغال را اولویت دوم قرار می‌دهند و از سوزی نیز شاغلان اول‌ خاتوار نیستند. به عبارت دیگر اشتغال زنان و درآمد زنان عمدتاً تکمیلی است. نکته سوم هم این است که با نرخ‌های موجود سود بانکی قطعاً غالب زنان مشمول در نظام بانکی سرمایه‌گذاری می‌کنند. پادش پایان خدمت به کنار مستمری صورت نگرفته اما در صندوق باننشستگی بانکی سرمایه‌گذاری شود، شاید در درآمد‌های دوران اشتغال زنان بیشتر شود. به عبارت دیگر با این شرایط نرخ سود بانکی و مجموعه دیگر متغیرها حدس ما این است که با تصویب نهایی این قانون، تمام آن یک میلیون زن در طول برنامه ششم توسعه به‌تدریج از بازار کار خارج شوند. این یک‌وجه قضیه است. از آن طرف نیز بار مالی مصوبه برای صندوق‌های باننشستگی است. محاسبه دقیق صورت نگرفته اما در صندوق باننشستگی کشوری این بار مالی عمدتاً بر عهده دولت است چون دولت حقوق کارمندان و همین‌طور مستمری باننشستگان را پرداخت می‌کند. ممکن است گفته شود تنها یک جابه‌جایی صورت می‌گیرد اما تصور کنید که سنوات پادش باننشستگی یک میلیون نفر در یک دوره ۵ تا ۵ ساله چه بار مالی سنگینی برای دولت خواهد داشت. دوم اینکه دوسوم از این‌ها که حدود ۷۰۰ هزار نفر هستند تحت پوشش سایر صندوق‌ها از جمله تأمین اجتماعی هستند و این صندوق‌ها موظف به پرداخت مستمری‌های آنها هستند که چنین مصوباتی عملاً بار مالی و دوره مستمری‌پردازی آنها را بسیار طولانی‌تر می‌کند و از طرفی نیز دوره بیمه‌پردازی مشترکان را پایین می‌آورد. این نکاتی است که در مصوبه نمایندگان مورد توجه قرار نگرفته است.

■ **در آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی زنان حدود ۱۴ درصد اعلام شده که البته روشن است گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود. مثلاً حدود نیمی از کسانی که جویای شغل‌اند همان کسانی هستند که قبلاً شغل داشته‌اند دوباره جویای کار نشده‌اند. تایید نهایی مصوبه نمایندگان چقدر نویددهنده این خواهد بود که در آینده سهم زنان از بازار کار و مشارکت اقتصادی آنها افزایش یابد و با عرصه برای حضور آنها هم‌وارتر شود؟**

ممکن است بخش بزرگی از زنان، به دلایل متعددی که به‌بازار کار ایران با آن مواجه است، تمایلی به کار مجدد نداشته باشند اما حدود یک سوم این جمعیت مجدداً وارد بازار کار می‌شوند و به دلیل اینکه کسورات بیمه‌ای ندارند و از تجربه کاری خوبی هم برخوردارند، جذب بازار کار می‌شوند. با این حال مسائل دیگری هم وجود دارد. اگر هدف پیشنهادندگان و تصویب‌کنندگان این بوده که برای نیروی کار تازه جا فراهم کنند، به‌هیچ‌وجه این اتفاق نمی‌افتد. اولاً توجه نشده است که یک‌سوم زنان شاغل از بازار کار خارج می‌شوند و حتی فراموش شده‌است که این مصوبه، بازار کار را به شدت مرنده‌تر می‌کند. یعنی سهم ۱۴ درصد فعلی زنان از بازار کار به حدود ۹ درصد کاهش پیدا می‌کند و دقیقاً در دوره‌ای که زنان به‌تدریج آماده می‌شوند که عهده‌دار پست‌های مدیریتی شوند، به‌دیکاره بازار کار ا‌ترک می‌کنند.

به زبان دیگر کاهش سهم زنان از پست‌های مدیریتی بسیار بیشتر از کاهش سهمشان در بازار کار است. دوم اینکه ما باید به کارنامه‌سال‌های گذشته‌مان هم نگاه کنیم که چندین قانون مغایر اشتغال زنان داشته‌ایم که نیروی کار زن را بسیار پرهزینه و گران کرده است. همین اواخر قانون مرخصی‌های حمایت از کودک به تصویب رسید که می‌گوید زنان علاوه بر استفاده از نه ماه مرخصی یارداری تا ۶ سال نیز می‌توانند روزانه ۲ ساعت مرخصی اجباری بگیرند. این قبیل قوانین، دست‌اوردی جز گران کردن نیروی کار زن برای پنگاه‌های بخش خصوصی در پی نداشته است. با اطمینان زیاد می‌توان گفت هر نیروی کار زنی که خارج می‌شود به دلیل محدودیت‌های دوره رکود یا اصلاً جایگزینی پیدا نمی‌کند و یا اگر هم کسی جایگزین آنها شود، الزماً زن نخواهد بود. در بخش عمومی نیز مقررات سخت و سختی وجود دارد که به‌ازای هر سه نفر باننشسته یک نفر استخدام شود. بنابراین به‌کارگیری نیروی کار مرد به دلیل انعطاف‌پذیری بیشتر و هزینه‌های کمتر آن معمولاً ترجیح داده می‌شود. اصلاً انکار نمی‌کنم که تعداد بسیار زیادی از زنان شاغل این قانون را فرصتی تاریخی می‌دانند و از آن استقبال می‌کنند و به طور طبیعی نیز هرگونه مقاومت و مخالفتی در برابر آن را برنمی‌تابند. این مسئله دقیقاً از مواردی است که

در متدولوژی از آن به «خطای تقلیل کلان به خرد» نام برده می‌شود. یعنی در عین حال که ممکن است از موضوعی مانند قانون باننشستگی زنان منتفع شوند اما جامعه در مجموع زیان می‌بیند. در مورد این قانون نیز ارزیابی من این است که به‌دلیل کاهش شدید سهم زنان در مدیریت امور جامعه، کلیت جامعه زنان متضرر می‌شوند و این از خطاهای بزرگ تاریخی است.

■ **به نظر می‌رسد در کشور ما متغیرهای دخیل بر کارکرد صندوق‌های باننشستگی کمی متفاوت‌تر از سایر کشورهاست. از دیرباز استقلال صندوق‌هایی از بحث‌های پر مناقشه بوده و از طرفی نیز عوامل محیطی هستند. فکر می‌کنید این عوامل و متغیرهای کلیدی و در عین حال ناآشنا کدام‌ها هستند؟**

اعتقاد دارم مهم‌ترین عواملی که صندوق‌ها را به وضعیت نگران‌کننده امروزی رسانده، مداخله‌های نامناسبی است که از حوزه سیاست صورت می‌گیرد. این دخالت‌ها با بر هم زدن تعادل منابع و مصارف صندوق‌های باننشستگی، کسری منابع آنها را دامن‌ا و روزه‌روز تشدید کرده‌اند. تصور کنید در چهار دهه گذشته حدود ۳۰ قانون و مصوبه در دولت و مجلس به تصویب رسیده که مهم‌ترین پیامد آنها کسری روزافزون صندوق‌ها بوده است. محتوای اصلی عمده این مصوبات نیز باننشستگی‌های پیش از موعد، افزایش دائمی بار مصارف، طولانی‌تر کردن دوره مصارف و مستمری‌پردازی، کوتا‌تر کردن دوران بیمه‌پردازی و کم کردن منابع با قوانین و مقررات مختلف از قبیل بسته کردن صندوق و بستن مجرای ورود اعضای جدید صندوق‌ها و … بوده است. البته عمده این سیاست‌ها مبنای خیرخواهانه داشته‌اند و به زبان سیاسی نوعی رفتار به ظاهر مردمی بوده‌اند. رفتارهایی که برای جلب رضایت عامه مردم و به‌خصوص در دوره‌های سیاسی خاص مانند سال‌های منتهی به انتخابات تصویب شده‌اند. باز هم تأکید می‌کنم در کار اطلاع‌رسانی و توجیه عمومی، ایجاد فضای گفت‌وگوی فراگیر با نخبگان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به هر دلیلی موفق عمل نکرده‌ایم. ممکن است

محافظه‌کاری باشد و یا پای جلب رضایت عمومی در میان باشد و یا احساس استغنا و بی‌نیازی بوده که ما کاهلی کرده‌ایم. به هر دلیلی موفق عمل نکرده‌ایم. به نظر من هر زمان که جبران کنیم باز هم برد کرده‌ایم. در فضایی که در جامعه سیاسی ما رابقتی نفس‌گیر برای جلب رضایت عامه بدون توجه به هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت آن، عمدتاً از جیب مردم در جریان است، هرروز باید منتظر باشیم. دولت‌ها در ایران هزینه برخی اقدامات به ظاهر مردمی را که انجام داده‌اند هرگز از جیب بردشان پرداخت نکرده‌اند. یعنی آنها برندگانمی‌بوند که مقبولیت عمومی را در بازار سیاست خریدند و بازنندگان مردمی بودند که در بلندمدت هزینه این سیاست‌ها را پرداخت کردند. چون این سیاست‌ها هم در بلندمدت آثار خود را نشان می‌دهند و هزینه‌های آن از منابع طبیعی نفتی یا از صندوق‌های عمومی مانند تأمین اجتماعی پرداخت شده، همواره این رویه ادامه‌دار بوده است. متأسفانه این مسئله بسیار جدی است و به این دلیل که صندوق‌ها صاحبان قدرتمند و دارای قدرت تأثیرگذار جمعی، تشکل‌های قدرتمند تأثیرگذار، رسانه‌های مؤثر و صدای بلند اجتماعی و سیاسی نداشته‌اند، نتوانسته‌اند از چنین سیاست‌های پرهزینه‌ای جلوگیری کنند و دامن‌ا این هزینه را داده‌اند.

■ **به‌هرحال دهه گذشته برای صندوق‌های باننشستگی نیز دوران پرنلتهایی بود. انواع و اقسام باننشستگی‌های پیش از موعد مصوب و اجرایی شد و این روند همچنان ادامه دارد. منافیی که به بخشی از آنها اشاره کردید، در مقابل بی‌وجهی و هزینه‌هایی که به دنبال دارند، چقدر است که تغییر جدی در برخی رویکردها و رویه‌ها به وجود نمی‌آید؟**

به نظر من مهم‌ترین دلیل این است که هزینه‌دهندگان اصلی صندوق‌ها یعنی کارگران و صاحبان آنها فاقد قدرت تشکیلاتی اثرگذار برای جلوگیری از این تصمیمات بوده‌اند. بخشی از مسئله نیز ناشی از نظام نادرست سیاست‌گذاری در کشور ماست. در غالب کشور‌های دنیا از میان‌گذرهای و پیشنهاد‌های آتی، سیاست‌هایی با چنین دامنه و عمق و پیامدهای طولانی‌مدت بین نسلی به تصویب نمی‌رسد بلکه مسائل در قالب طرح و لایحه مشخص مطرح می‌شوند و اگر هم به طور اتفاقی طرحی ارائه شود، می‌بایست از پشتوانه جامع کارشناسی مانند آنچه مرکز پژوهش‌های مجلس انجام می‌دهد، برخوردار شوند. در حالی که در این مورد به‌خصوص دقت‌ناگهانی یک پیشنهاد در مجلس مطرح می‌شود و فوراً هم رأی می‌آورد و همین تصمیم‌آنی چندده‌هزار میلیارد برای چندده سال آثار و پیامد به‌جا می‌گذارد.

## ویس‌شوره

باننشستگی زود هنگام زنان

«وظایف دولت نسبت به صندوق‌های باننشستگی در حال افزایش است و تا این لحظه نیز اعتباری برای اجرای این طرح مشخص نشده‌است.» وی با بیان اینکه در حال حاضر ورودی عمده صندوق‌های بیمه‌ای بسته شده، به «فارس» گفت: «در مقابل خروجی صندوق‌ها بسیار بالاست و این نهادها قادر به تأمین چنین حجمی از درخواست‌های باننشستگی نیستند.» ق‌دیبانی افزود: «ساختمان جمعیتی کشور ما در حال حرکت به سمت سالمندی است و این مصوبات نیز علاوه بر تشدید تغییر ساختار جمعیتی، فشار زیادی به صندوق‌ها وارد می‌کند.»



## کتیو | ۰۷

**پاسخ پروانه مافی، به انتقادها از لایحه باننشستگی زود هنگام زنان:**

# نه‌ضداشتغال است و نه هزینه آور!

پروانه مافی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، یکی از نمایندگان است که از تصویب لایحه باننشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه کار و بدون محدودیت سنی حمایت می‌کند و آن را نته‌تها پر ضد اشتغال زنان نمی‌داند، بلکه معتقد است که ضرر چندانی هم از جانب این لایحه، متوجه صندوق‌های بیمه‌ای نخواهد شد. با او در مورد دلایل این موافقت و استدلال‌هایش در این باره، صحبت کرده‌ایم.

■ **چرا شما با این طرح موافق بودید؟**

برای اینکه مراجعات زیادی از طرف خانم‌ها داشته‌ایم، و از گذشته هم خانم‌هایی که در مشاغل سخت و زیان‌آور مشغول بوده‌اند، همواره چنین دغدغه‌ای داشته‌اند؛ چرا که به‌علت فرسودگی که شغل‌شان به دنبال دارد، نیاز دارند که زودتر باننشسته شوند. به هر حال باید بپذیریم که خانم‌ها از نظر فیزیکی متفاوت از مردان هستند و باید این تفاوت‌ها را در کار لحاظ کرد؛ یا زانی به ما مراجعه می‌کنند که فرزند معلول، شوهر بیمار یا پدر و مادر بیمار صعب‌العلاج دارند؛ یا زانی که سرپرست خانواده هستند و باید بخشی از زمان‌شان را در کنار خانواده خود بگذرانند. این زنان به‌دنبال باننشستگی زودتر از موعد بودند تا بتوانند به‌ب‌گفتاری‌های خانوادگی خود برسند اما چون قانونی در این زمینه وجود نداشت، با مشکل مواجه و همیشه در عسر و حرج بودند. یا حتی زانی که خودشان بیمار بودند و دنبال زودتر باننشسته شدن بودند اما امکانی برای آن نداشتند.

■ **برای مواردی که شما بر شمردید، در بیمه‌های اجتماعی قوانین مشخصی وجود دارد که برای چنین زانی حمایت‌هایی‌زیادی را تعریف کرده‌است. برای نمونه زانی که بیماری خاصی دارند، می‌توانند از حمایت قانون از کار افتادگی و باننشستگی زود هنگام برخوردار شوند… در مورد حمایت از زانی که پدر و مادر بیمار دارند و یا فرزند معلول، قانون حمایتی نداریم… در مورد زنان کارگری که مشاغل سخت و زیان‌آور دارند و زود فرسوده می‌شوند، قانون مشخصی نداریم. در نتیجه مناسب بود که قانونی تصویب شود که این بخش از زنان را مورد حمایت قرار دهد. این قانون بار مالی هم ندارد، چون با همان ۲۰ روز باننشسته می‌شوند و سنوات ارفاقی ندارند. این قانون مانند بخشنامه‌های دولت قبل نیست که کسی با ۲۰ سال سابقه کار، با ۲۵ روز حقوق باننشسته شود.**

■ **دغدغه حمایت شما از زانی که مشکلاتی در زندگی دارند، قابل‌تقدیر است اما می‌دانید مشکل کجاست؟ در قانونی که باننشستگی پیش از موعد را تشویق کند، حتی اگر تعداد سنوات را هم مشخص کرده باشد، باز راهی با می‌کند برای خروج زودتر بخشی از بیمه‌پردازان صندوق‌های بیمه‌ای؛ صندوق‌هایی که همین حالا هم بسیاری از آن‌ها با ورشکسته شده‌اند و یا در نقطه بحرانی قرار دارند. از طرفی این زنان بر خلاف عقیده شما که معتقدید به امورات خانوادگی خود می‌رسند، به‌دنبال شغل جدید و البته بدون بیمه می‌روند و این یک زیان مضاعف برای صندوق‌های بیمه‌ای است.**

ما این قانون را برای زنان شاغلی در نظر گرفته‌ایم که دارای مشکلاتی باشند که ذکر کردم. از طرفی کارفرما حق بررسی شرایط و درخواست این زنان را دارد و آن‌ها فقط در صورت احراز شرایط می‌توانند باننشسته شوند. ما فقط منع موافقت قانون را برداشته‌ایم و اجباری ایجاد نکرده‌ایم. آدم‌هایی که عسر و حرج دارند و با شرایط موجود نمی‌توانند به کار ادامه دهند، باید بتوانند باننشسته شوند؛ چرا که ادامه یافتن کارشان ظلم محسوب می‌شود. کسی که چنین مشکلاتی دارد باید بتواند از چرخه کار خارج شود، چون نه‌انگیزه دارد و نه می‌تواند کارش را درست انجام دهد. با رنج و عذاب و گلابه نمی‌توان کرد.

■ **نکته عجیب این است که با وجود تلاش‌های دولت یازدهم برای رونق اشتغال زنان، چنین تصمیمی از سوی مجلس گرفته می‌شود؛ چرا که تجربه نشان می‌دهد چنین قوانین به‌ظاهر حمایتی، نتیجه معکوس می‌دهند. کارفرمایی که احتمال می‌دهد نیروی زبده و باتجربه‌اش در بیستمین سال کاری‌اش می‌تواند درخواست باننشستگی بدهد، برای استخدام چنین نیروهایی تردید خواهد داشت و این یعنی ضرر به خوردن اشتغال زنان. این اصلاً حرف درستی نیست؛ اینکه چنین قانونی به اشتغال زنان ضرر می‌زند، توهمی بیش نیست! مگر می‌شود کارفرما پیش‌بینی کند کسی که سال اول استخدام می‌شود، ممکن است ۲۰ سال دیگر بخواد با باننشسته شود و نتیجه بگیرد که بهتر است او را استخدام نکند؟! این حرف درستی نیست.**

■ **ولی همین موضوع در مورد مرخصی زایمان درست از آب درآمد؛ یا با آن موافقت نمی‌شود و یا بسیاری از مرخصی‌های زایمان تبدیل می‌شود به یک مرخصی همیشگی و از دست دادن کار. یعنی قوانین حمایتی که منافع دو طرف روابط کار را نبیند، معمولاً به نفع کارگران تمام نمی‌شود.**



• از رسانه‌ها •

• فرشید بردانی •

## مصوبه‌ای بایامدهای ناگوار

بیمه‌های اجتماعی، اعم از بیمه‌های باننشستگی و درمان، نهادهایی هستند با کارکردهای اجتماعی و مبتنی بر اصول اقتصادی خاص خود. به این اصول اقتصادی محاسبات بیمه‌ای گفته می‌شود. این نهادها ویژگی بلندمدت دارند و به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده اجتماعی در فرآیندهای بلندمدت کارکرد و اثرگذاری دارند. آنچه به آنها ضرره می‌زند نگاه‌های کوتاه‌مدت و مقطعی است.

نگاه‌هایی که دولتمردان و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حرفه‌ای به این بیمه‌ها دارند باید نگاه علمی و کارشناسی باشد. قوای سه‌گانه به واسطه اینکه فقط مسئول تمشیت امور در دوران خود نیستند، باید نگاهی آتی‌نگر داشته باشند. از دولت و مجلس کنونی نیز چنین انتظاری می‌رود. انتظار این است که متناسب با شعارهایی که در ضرورت رعایت مصالح کشور در بلندمدت داده می‌شود با مسئله صندوق‌های باننشستگی مواجهه صورت گیرد. صندوق‌هایی که متعلق به نسل‌های مختلف کشور هستند و بنابراین اصل نگاه بلندمدت به آنها اصلی بنیادین است. در برنامه ششم توسعه سه موضوع بحرانی وجود داشت که مجلس و دولت باید به آنها می‌پرداختند. محیط‌زیست، آب و صندوق‌های باننشستگی. انتظار از مجلس و دولت این بود که در این سه حوزه توجه ویژه‌ای به اصلاح سازوکارهای آنها کند و در راستای ماندگاری و پایداری هرچه بیشتر این صندوق‌ها نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد، پایداری‌ای که بی‌ثباتی در آن به نحو فزاینده‌ای به بی‌ثباتی جامعه می‌انجامد، اما متأسفانه به‌رغم این انتظار کارشناسی، در برنامه ششم علاوه بر برخی موارد، ناظر بر وضعیت بحرانی صندوق‌های باننشستگی، موادی برخلاف این اصول تدوین و تصویب شد. یکی از این مواد، که مورد بحث این یادداشت است، موضوع باننشستگی پیش از موعد زنان است.

مسئله‌ای که هم تبعات اجتماعی منفی دارد و هم تبعات اقتصادی آسیب‌رسان. خروج قریب به ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر شاغل زن در بخش‌های دولتی از چرخه کار و تولید نخستین پیامد این موضوع است که به‌تبع آن باید منتظر دیگر مسائل اجتماعی آن نیز بود. زنان که در سن ۴۰ تا ۴۵ سالگی خانه‌نشین می‌شوند بی‌گمان با آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوان روبه‌رو خواهند شد.

در ضمن اینکه این مسئله نقش تعدیل‌گر ایانه صندوق‌های باننشستگی در توزیع ریسک بین نسلی و درون‌نسلی را نیز با مخاطره مواجه می‌سازد؛ چراکه نوعی بی‌عدالتی و توزیع نامتعارف منابع از جیب نیروی کار فعال به نیروی به حاشیه رفته مبتنی بر قانون را در پی دارد. منابع از جیب کسانی که ۳۰ سال و بیشتر کار می‌کنند به نفع کسانی که کار کمتری می‌کنند هدایت می‌شود و این نشانه خوبی برای یک جامعه فعال نیست.

از جنبه اقتصادی نیز بنابر برآوردهای اولیه معاونت اقتصادی وزارت کار، کار و رفاه اجتماعی که در مطبوعات منکس شده است، سالانه قریب به ۱۰ هزار میلیارد تومان اضافه‌هزینه به‌برای صندوق‌های باننشستگی از این بابت ایجاد می‌شود.

هزینه‌ای که به‌طور قطع و یقین این صندوق‌ها را با بحرانی جدی‌تر روبه‌رو خواهد کرد و باری است که نهاد دولت خود باید قبل از اجرایی شدنش تأمین بار مالی آن را بر عهده گیرد. باید توجه داشت که این رقم فقط برای یک سال است، در حالی که این هزینه، هزینه‌ای مستمر است که حتی محدود به ۳۰ سال نیز نمی‌شود، چرا که باننشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه در سال‌های بعد نیز استمرار خواهد یافت، گرچه از تعداد زنان شاغل نیز طی زمان کاسته خواهد شد، چرا که دیگر نهادها یا توجه به این موضوع تمایل کمتری به جذب زنان برای اشتغال خواهند داشت.

با این اقدام بخشی از نیروی کار به حاشیه رانده می‌شود، بخشی که می‌تواند در مناسبات کار و تولید نیز اثرات قابل‌توجهی داشته باشد. این حذف، علاوه بر اثرات اقتصادی منفی، با عملکرد صندوق‌های باننشستگی با بیان‌های حقوق اجتماعی و همبستگی اجتماعی که مبتنی بر مشارکت جمعی و همگانی در فرآیند توسعه کشور است نیز در تضارض قرار دارد. امید است در فرآیند بررسی‌های بعد از این، بتوان شاهد حذف این بند آسیب‌رسان از برنامه ششم توسعه بود.

کارشناس سیاست‌گذاری اجتماعی یادداشت منتشرشده در روزنامه دنیای اقتصاد مورخه ۹۵/۱۱/۰۴



کارشناس سیاست‌گذاری اجتماعی

یادداشت منتشرشده

در روزنامه دنیای اقتصاد مورخه ۹۵/۱۱/۰۴



قانون برنامه ششم توسعه در یک مارتان نفسگیر از مجلس نهم تا دهم به درازا کشید و در هر دو مجلس از طریق کمیسیون تلفیق مورد بررسی قرار گرفت؛ ولی پس از تمدید قانون برنامه پنجم و از طریق یک دوره فشرده با کار سه‌شیفته، این قانون با حجمی بیش از چهار برابر نسبت به لایحه دولت، مورد تصویب قرار گرفت و بار مالی افزایش یافته به دولت، بالغ بر صدها هزار میلیارد تومان شد. اما در آخرین ساعات و دقائق تصویب این قانون در صحن علنی مجلس، برخی بندهای الحاقی خارج از لایحه و خارج از مصوبات کمیسیون تلفیق براساس پیشنهادهای فردی مطرح شد و به تصویب رسید که باید گفت براساس آن بار مالی چند ۱۰ هزار میلیارد تومانی به سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی وارد آمد و چنانچه این بندها به قوت خود باقی بماند، عملاً منجر به تشدید بحران در صندوق بازنشستگی کشوری و ورشکستگی زودرس احتمالی سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد.

صرف‌نظر از اینکه بندهای مذکور از لحاظ کارشناسی صحیح است یا خیر، ابتدا باید گفت مصوبه مجلس شورای اسلامی در باره لایحه برنامه ششم، نیازمند تنقیح مجدد است؛ چراکه احکام الحاقی در مورد بازنشستگی زودرس و سخت و زیان‌آور، همسان‌سازی، معافیت بیمه‌ای کارورزان و بیمه بیکاری هنرمندان، با سایر مفاد قانون برنامه ششم مغایرت دارد و بدین ترتیب این قانون دارای تضاد و تعارض شکلی و محتوایی است. به این معنی که صدر و ذیل آن با یکدیگر همخوانی ندارد. مجلس محترم در ماده ۴۰ همین قانون برنامه ششم تصویب کرد که نباید بار مالی جدیدی بدون تأمین منبع پایدار مالی برای آن، به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی تحمیل کرد؛ ولی در بندهای الحاقی مذکور، عملاً بار مالی زیادی را به این سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی تحمیل کرد، بدون اینکه منبع مالی لازم برای آن، نه فقط به صورت پایدار، بلکه حتی به صورت یک‌ساله نیز تعیین و تأمین نکرده است. لذا باید مصوبه مجلس محترم یکبار دیگر بازخوانی و بازنویسی شود و تعارضات درونی آن از بین برود.

قبل از شروع فرآیند نگارش برنامه ششم قرار بود چند موضوع خاص و بحرانی نظیر «آب»، «محیط زیست» و «صندوق‌های بازنشستگی» در تدوین برنامه ششم مورد توجه خاص و ویژه قرار گیرد و در رفع چالش‌های مبتلا به آن‌ها در طول سال‌های برنامه اقدام شود. اما با تصویب این احکام، عملاً برخلاف این رویکرد اقدام شده است. لذا باید مصوبه مجلس محترم یکبار دیگر مورد تنقیح و بازبینی مجدد قرار گیرد.

وقتی صحبت از «برنامه توسعه» به میان می‌آید، قاعدتاً فرآیند علمی و منطقی از پیش‌اندیشیده‌شده برای توسعه کشور به ذهن می‌آید که در آن یک‌سری احکام کلان و بالادستی برای هموارسازی مسیر تعالی کشور براساس مطالعات همه‌جانبه علمی تدوین می‌شود و به مسائل اساسی و بنیادی کشور می‌پردازد. بدیهی است با این تعریف، گنجاندن حکمی در ارتباط با سخت و زیان‌آور شدن برخی مشاغل یا برقراری حق اشعه‌پرتوکاران یا بازنشستگی پیش از موعد زنان و نظایر آن، در برنامه توسعه بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد.

قوانین عام اصلی و مادر مربوط به بیمه‌های اجتماعی بازنشستگی، درمانی، بیکاری و... دارای ساختار تعادل منابع و مصارف و سازوکار تنظیم ورودی و خروجی هستند و باید بر پایه اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای عملاً اقتضا، مورد بازبینی و روزآمدسازی قرار گیرند و نمی‌توان در قالب قانون خاص و مقطعی آن‌ها را دچار تغییر کرد؛ چراکه این امر موجب برهم خوردن تعادلات و تنظیمات آن‌ها می‌شود و از همه مهم‌تر اینکه تغییرات مزبور با اصل عدالت مغایرت دارد و یک عده را از صف به ابتدای صف می‌آورد و یک کارحمانی است که منابع آن از جیب سایر بیمه‌شدگان تأمین می‌شود.

بازنشستگی‌های زودرس باعث وارد آمدن بار مالی به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی است و با توجه به اینکه صندوق بازنشستگی کشوری یک دستگاه دولتی است، بار مالی دولت افزایش می‌یابد و این امر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است. همچنین براساس رویه شورایی محترم نگهدارنده سایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی نظیر سازمان تأمین اجتماعی نیز مشمول این قاعده هستند و تحمیل بار مالی به آن‌ها مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است؛ ضمن اینکه بازنشستگی پیش از موعد و تحمیل بار مالی جدید به سازمان بازنشستگی کشوری و... با قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و به‌ویژه با قانون تنظیم مقررات مالی دولت (موسوم به الحاق ۲) مغایر است.

بازنشستگی‌های زودرس با سند چشم‌انداز هم مغایر است؛ چراکه در سند چشم‌انداز بر رشد ۸ درصدی تأکید شده است و این یعنی کمتر و تلاش بیشتر از

## نامه سرگشاده بازنشستگان به شورای نگهبان

جمعی از کانون‌های بازنشستگی کشوری با ارسال نامه‌ای سرگشاده به شورای نگهبان، به مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه بیمه‌پردازی، اعتراض کردند. امضاکنندگان در بخشی از نامه خود آورده‌اند: «صندوق‌های بازنشستگی در دهه‌های گذشته به دلیل تصویب قوانین و مقررات غیرکارشناسی، با شرایط بحرانی مواجه شده‌اند.» این تشکل‌ها در ادامه با اشاره به تناقض این مصوبه با الزامات محاسبات بیمه‌ای در صندوق‌ها و عدم تناسب آن با اصل ۷۵ قانون اساسی، ضمن یادآوری اینکه مقررات حاکم بر صندوق‌های بازنشستگی و منافع آن‌ها بین‌نسلی است، خواهان رد مصوبه مجلس شده‌اند تا آسیب کمتری به صندوق‌ها وارد شود.

## ویس‌شیر

بازنشستگی زود هنگام زنان

## ۸ | اکتیو

### • مهدی عباسی •

#### • خبرنگار •

از روزهایی که تازه زمزمه تدوین برنامه پنج‌ساله ششم با برخی اولویت‌ها شنیده شد تا اوایل هفته گذشته که آخرین جلسه صحن علنی مجلس برای بررسی لایحه مشترک دولت و بهارستان نشینان برگزار شد، زمان برای صندوق‌های بازنشستگی و ذی‌نفعان آن‌ها به تندی گذشت. این فاصله یکی، دو ساله را می‌توان با تحولات مختلف پر کرد. خیلی‌ها از بحران صندوق‌ها گفتند، هر روز آمار و ارقامی از عمق بحران منتشر شد، همایش و نشست هم پشت سر هم برگزار شد که حاصل همه آن‌ها مهر تایید دولت بر تک‌تک آن‌ها بود. در این میان کمتر کسی در پذیرفته بودن واقعیت صندوق‌ها نازد تصمیم‌گیرندگان و این وعده که یکی از محورهای اصلی برنامه ششم، رسیدگی به بحران این نهادها و حال نزار آن‌ها است، تردیدی داشت. حالا اما آن روزها گذشته و ما حاصل چیز دیگری شده‌است: نه تنها هیچ کدام از وعده‌ها عملی نشده که حتی امیدها نیز یکی پس از دیگری بر باد رفته‌اند و در صندوق‌ها کامکان بر همان تک‌پاشنه سابق می‌چرخد.

■ **تقابل رویکردهای حمایت جنسیتی و بیمه‌ای**  
نمایندگان دوره دهم خانه ملت که در کمتر از یک‌سال گذشته بارها موضع پشتیبانی خود را از صندوق‌ها ابراز کرده‌اند، در اتفاقی غیرمنتظره ماده‌ای به لایحه برنامه ششم اضافه کردند که بر اساس آن زنان شاغل با سابقه ۲۰ سال بیمه‌پردازی و بیشتر، بدون محدودیت سنی بازنشسته شوند. طرحی که کارشناسان آن را خرج تراشی مجدد از جیب صندوق‌ها و از سویی نیز آن را شاهده‌ای از فاصله زیاد تا رسیدن به فهم دقیق از گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در کشور می‌دانند. بر اساس این ماده الحاقی که با ۱۳۹ رای از مجموع ۱۹۵ نماینده حاضر به تصویب رسیده و حالا به شورای نگهبان رفته، دستگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکتهای دولتی و عمومی غیردولتی تابع صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری یا تأمین اجتماعی، موظف‌اند با درخواست بازنشستگی بانوان شاغل دارای حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت بدون محدودیت سنی موافقت کنند. آن طور که در این مصوبه آمده، محاسبه حقوق این دسته از زنان بر اساس تعداد سال‌های کارکرد و پرداخت حق بیمه‌شان خواهد بود. با اینکه فعلاً جزئیات مشخصی در رابطه با نحوه اعمال این نوع بازنشستگی منتشر نشده اما موجی از واکنش‌های متفاوت در جامعه برانگیخته است. عده‌ای که عموماً زنان هستند، تمام قد از چنین ماده‌ای حمایت کرده‌اند اما فعالان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی آن را زیر سوال برده و از ضدیت این نوع طرح‌ها با اصول نظام تأمین اجتماعی می‌گویند. کارشناسان معتقدند این مصوبه ماهیتی غیر کارشناسی، ابهام‌زا و به‌دور از منطق کارکردی در صندوق‌های بازنشستگی دارد که نه تنها در دستیابی به اهداف مدنظر طراحان آن ناکام می‌ماند، بلکه آثار و تبعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن عملاً شرایط بحرانی صندوق‌های بازنشستگی را حادث می‌کند. اما ابهام‌ها شامل چه مواردی است؟

■ **تصویب عجیب ماده الحاقی در صحن مجلس**  
معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تأمین اجتماعی نخستین ابهام را در نحوه طرح و تصویب این ماده الحاقی و حال و روز مجلس در روز تصویب آن می‌داند و معتقد است در این رابطه نمایندگان با شیوه مرسوم جلو نرفتند. عبدالرحمن تاج‌الدین در گفت‌وگو با آنی‌نو فضای حاکم بر صحن علنی مجلس در روز رای‌گیری را هیجانی و ملتهب توصیف می‌کند و می‌گوید: «وضعیت به گونه‌ای بود که پیشنهاد بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه در کوتاه‌ترین زمان ممکن و در ساعات پایانی نشست علنی مطرح شد. به گونه‌ای که نه موافقان و مخالفان ماده و حتی نمایندگان دولت و کمیسیون تلفیق موفق به اظهار نظر نشدند.» وی اضافه می‌کند: «شرایط به نحوی بود که نمایندگان فرصت نکردند در این رابطه که این مصوبه برای زنانی که در ادارات دولتی و نه نمایندگی از دولت در نهادهای عمومی غیردولتی کار می‌کنند و تعاضی که میان آن‌ها و زنان کارگر شاغل در بخش‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی به‌وجود خواهد آمد، فکر کنند. به‌طور مثال هیچ‌کس توجه نکرد که با اجرایی شدن این مصوبه، بخش عمده‌ای از زنانی که به‌ویژه در بخش درمانی کشور تأثیرگذارند، با این مصوبه بازنشسته می‌شوند و نظام در مانعی کشور دچار اختلال می‌شود.»

■ **چندپارگی گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی**  
در یک دهه گذشته، نهاد قانون‌گذار بارها بارها از ابزار بازنشستگی‌های پیش از موعد، به‌زعم خود به سود خلق فرصت برای اشتغال و حمایت از گروه‌هایی خاص بهره‌گیری کرده

و قوانین و مقررات زیادی را در این راستا تصویب کرده که بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه تازه‌ترین مورد از آن‌هاست. مقرراتی که شمار تکالیف منبعث از آن‌ها تنها در باره سازمان تأمین اجتماعی به ۲۶ مورد می‌رسد؛ به‌طوری که در دهه ۸۰ حدود ۱۳ قانون تأثیرگذار بر منابع و مصارف این سازمان از تصویب نهاد قانون‌گذار گذشته است. با این حال آمارها حکایت از ناکارآمدی راهبردهای حمایتی برای تغییر وضعیت بیکاری در کشور دارد. گرچه هنوز کارشناسان نتوانسته‌اند ارتباط معناداری میان بازنشستن فضای اشتغال و بازنشستگی‌های پیش از موعد بیابند اما صابر شبیانی، که یکی از کارشناس‌های حوزه صندوق‌های بازنشستگی است، از زاویه گفتگویی به تعیین تکالیف نهادهای قانون‌گذار برای صندوق‌های می‌نگرد و معتقد است بخشی از این تعارضات رفتاری طبیعی است: «انسجام و سناریوی مشخص و واحدی در موضوع صندوق‌های بازنشستگی در ایران وجود ندارد و از همین رو نهاد قانون‌گذار در خلا اطلاعاتی و چندصدایی موجود، چیزی را دنبال می‌کند که فکر می‌کند درست است و انگیزه اصلی هم پشتوانه‌سازی برای انتخاب مجدد است. در چنین وضعیتی که مصلحت‌های سیاسی کوتاه‌مدت، انگیزه‌های مخرب و... جای اطلاعات را پسر می‌کند، بازیگری بیرونی فارغ از مسائل و تحلیل‌های کارشناسی و آثار و تبعات آن، همه بنیان‌های صندوق‌ها را تخریب می‌کنند.» عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی بخشی از بحران فعلی صندوق‌ها را در ضعف‌هایی می‌داند که به گفته او نظام تصمیم‌گیری و تدبیر کشور در حوزه اجرا نتوانسته وضعیت صندوق‌ها را با استناد به مطالعات پژوهش‌ها برای نمایندگان تشریح کند. وی در عین حال بر این باور است که طرح چنین ماده‌ای به مثابه نوعی برخورد بیمه‌شده رویکردی حمایتی است که سرریز آن در نهایت قربان بیمه‌شده و مستمری‌بگیری را می‌گیرد: «در دهه ۸۰ بازنشستگی‌های پیش از موعد زیادی داشتیم و در همه آن‌ها نیز نمایندگان همین گونه فکر می‌کردند. ما حاصل این شده که سازمانی مثل تأمین اجتماعی تحت

فشار زیادی برای پرداخت مستمری‌های ماهیانه است و از آن سو نیز دولت غرق در بحران نقدینگی صندوقی مانند بازنشستگی کشوری و فولاد است.» شبیانی با تأکید بر اینکه صندوق‌های ایران بیش از آنکه به مدیریت مسائل بپردازند، به بحران‌های ناشی از محرک‌های بیرونی پاسخ داده‌اند، اضافه می‌کند: «در ایران هنوز کسی نپذیرفته که صندوق‌ها هویت حقوقی مستقلی دارند که الزاماً باید کارکرد بیمه‌ای خود را مضمون نگه دارند تا توازن مالی بلندمدت را برای نسل‌های آینده برقرار کنند. به همین دلیل هم نمایندگان به لحاظ ماهیت تصمیم‌گیرندگی خود و مسیوق به سابقه بودن اتخاذ چنین رویه‌هایی در میان سلف خود، صلاحیت ورود به حوزه‌ای تخصصی را برای خود قائل می‌شوند.» عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، ماموریت صندوق‌ها را در شرایط کنونی دشوار می‌داند و در عین حال که خوشبین است شورای نگهبان به دلیل پیش‌بینی نشدن بار مالی طرح، مصوبه مجلس را رد کند، پیش‌بینی می‌کند با توجه به پراکندگی نهادهای تصمیم‌گیر و انگیزه‌های متفاوت، در آینده نیز چنین اتفاقی‌هایی

بسیار با اینکه هنوز کسی راجع به نیات و انگیزه‌های واقعی پیشنهادکنندگان این ماده قانونی صحبتی به میان نیاورده و تنها پروانه سلحشوری، رئیس فراکسیون زنان مجلس که از قضا خودش هم پیشنهاددهنده این ماده الحاقی بوده، در اظهار نظر عیب‌به‌یکی از رسانه‌ها گفته که بازنشستگی پیش از موعد زنان پیش از آن‌که در برنامه پنجم توسعه وجود داشته و حتی در یک برنامه تلوویزیونی هم اعلام کرده این مصوبه حمایت از مادران شاغل و تحکیم بنیان‌های خانواده و ایجاد فرصت برای اشتغال

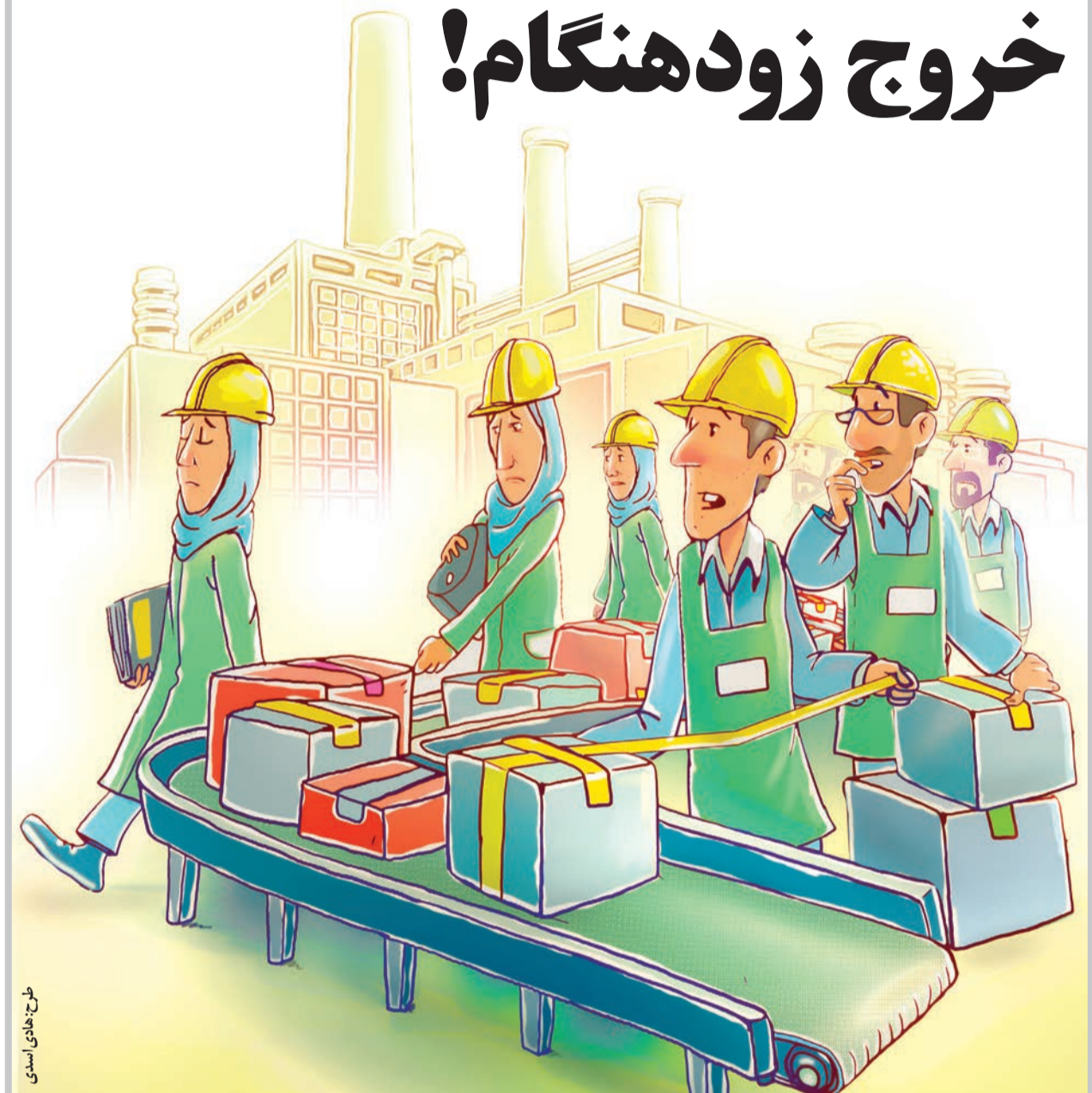
## هزینه ۳۶۰۰ میلیاردی طرح بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه برای تأمین اجتماعی

# خروج زود هنگام!



یکشنبه • ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ • شماره نود

A T I V E H N O



کارشناسان معتقدند بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه بدون شرط سنی، علاوه بر هزینه‌های گزافی که برای صندوق‌های بازنشستگی ایجاد می‌کند، عملاً در ایجاد فرصت‌های شغلی برای بانوان گشایشی صورت نمی‌گیرد

جوانان جوانی کار را بپذیرد می‌کند و حتی گفته‌بار مالی احتمالی این مصوبه با بهره‌وری که از ناحیه اجرای آن ایجاد می‌شود، جبران خواهد شد. با این حال تطبیق این دیدگاه با واقعیت اقتصادی کشور، رفتارشناسی زنان شاغل و الزامات محیط پیرامونی صندوق‌های بازنشستگی، واقعیت‌های متفاوتی گوشزد می‌کند که شاید شاخص‌های اشتغال و بیکاری تصویر واضح‌تری از موضوع به دست دهد. گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که با وجود افزایش نرخ بیکاری زنان فارغ‌التحصیل از ۲۲/۵ درصد سال ۸۴ به ۳۰/۷ درصد در سال ۹۲، تعداد زنان «فارغ‌التحصیل فعال جوانی شغل» روندی کاهشی داشته است. به‌طوری که بیشترین بیکاری زنان در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله (۳۱/۹ درصد) بوده است. آمارها می‌گویند با افزایش سن زنان، بیکاری آن‌ها نیز کاهش یافته است. این تغییرات در یک سطح، گواه این مطلب است که بستر مناسبی برای جذب فارغ‌التحصیلان زن در بازار کار وجود ندارد و در سطحی دیگر نیز موید آن است که عمده شاغلین زن یا در سنین بالاتر از سنین جوانی موفق به یافتن شغل شده‌اند یا تریج داده‌اند از حضور در بازار کار منصرف شوند. هم‌زمان اگر رفتارشناسی زنان شاغل صلاحیت‌دار برای برخورداری از بازنشستگی پیش از موعد با ۲۰ سال سابقه را مدنظر قرار دهیم، وضعیت پرتیج‌تر هم می‌شود؛ چراکه بسیاری از شاغلین زن در سنین میان‌سالی با تصویب قوانین و مقررات بازنشستگی پیش از موعد مایل به کناره‌گیری از بازار کار می‌شوند. با این حال چنین وضعیتی که اصطلاحاً «غیر فعال شدن نیروی کار» نامیده می‌شود موقت است و در غالب اوقات شاغلین کنار کشیده از بازار کار، به دلیل شکاف درآمد و هزینه‌های خود مجدداً به بازار کار برمی‌گردند. مدیر کل دفتر آمار و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی دیگری نیز به این دیدگاه اضافه می‌کند و می‌گوید: «با توجه به سن و ورود به کار و خروج با سابقه ۲۰ سال بیمه‌پردازی، این دسته از زنان، به‌طور قطع خارج از سن باروری‌اند که احتمال فرزندانوری آن‌ها را پایین می‌آورد و از طرفی

### با فرض ماهیانه

### ۲ میلیون تومان

### دستمزد ۳۰ هزار

### نفر مشمول باید

### ۱۲۰ میلیارد تومان

### حق سنوات پرداخت

### شود. ضمن اینکه

### محاسبات نشان

### می‌دهند بار مالی

### تحمیلی به صندوق

### تأمین اجتماعی،

### تقریباً ۳ برابر این

### مبلغ است



## بازنشستگی پیش از موعد زنان به پرداخت مستمری‌ها آسیب می‌زند

مهدی مجیدی، عضو هیئت‌مدیره کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تهران، معتقد است بار مالی بازنشستگی پیش از موعد زنان، نظام پرداخت مستمری بازنشستگان را دچار آسیب می‌کند و بر کیفیت و کمیت ارائه خدمات به بیمه‌شدگان تأثیرگذار است. مجیدی در گفت‌وگو با ایلنا، گفته است مجلس پیش از تصویب طرح‌ها و لایحه‌ی مانند بازنشستگی پیش از موعد زنان، محل تأمین منابع را پیش‌بینی نمی‌کند و این موضوع برای سازمان‌های بیمه‌گر، بازنشستگان و بیمه‌پردازان مشکل ساز خواهد بود. وی مشکلاتی که بازنشستگان از ناحیه تأخیر دریافت‌ها دچار آن می‌شوند را به‌دلیل تصویب قوانینی مانند ماده الحاقی اخیر دانسته است.

## ویس‌شده

بازنشستگی زودهنگام زنان



## کتیو | ۰۹

ادامه از صفحه قبل

سوی کارکنان و کارگران و همچنین تصریح شده است که کشور باید متکی بر سهم‌برتر منابع انسانی و سرمایه‌اجتماعی در تولید ملی باشد و بازنشستگی زودرس، گروه‌عظیمی از سرمایه‌انسانی را به جمعیت غیرفعال مبدل می‌کند.

ازطرفی بازنشستگی‌های زودرس با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مغایر است؛ چراکه در بند یک آن آمده است: «تأمین شرایط و فعال سازی همه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی... و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه و...» که این نوع بازنشستگی برای غیرفعال‌سازی سرمایه‌های انسانی خواهد بود. همچنین در بند ۱۶ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی آمده است «صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور» اما نتیجه بازنشستگی‌های زودرس، افزایش هزینه‌های عمومی کشور خواهد بود؛ چراکه اکنون بخش اعظم بودجه صندوق بازنشستگی کشوری از سوی دولت تأمین می‌شود.

ابعاد زیانبار احکام بازنشستگی زودرس بر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی در قالب مصوبه مجلس در زمینه لایحه برنامه ششم، از آنجا تشدید می‌شود که در همین مصوبه بر همسان سازی حقوق شاغل و بازنشسته و همسان سازی مستمری بازنشستگان تأکید شده است و در نتیجه افرادی که به‌صورت زودرس بازنشسته می‌شوند، چه‌بسا معادل یا بیشتر از کسانی دریافتی خواهند داشت که بیش از ۳۰ سال کارکرد، حق بیمه پرداخت‌کننده.

صرف‌نظر از مغایرت‌های احکام بازنشستگی زودرس با قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و نیز تعارفات احکام مزبور با سایر احکام مندرج در مصوبه قانون برنامه ششم مجلس، احکام مزبور از منظر مباحث کارشناسی بیمه‌ای و از منظر اجتماعی و مدیریتی نیز دارای اشکالات فراوانی است:

۱- براساس مطالعات کارشناسی انجام‌شده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و... غالب سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به‌ویژه کشوری و لشکری دارای چالش‌های جدی در زمینه عدم تعادل منابع و مصارف، برهم خوردن تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌ها و کسری نقدی، جاری و تعهدی بوده و نسبت و استواری آن‌ها از مرحله بحرانی گذشته است و این نوع بازنشستگی‌های زودرس، به‌دتر شدن اوضاع آن‌ها کمک می‌کند.

۲- تجارب چندین مرحله بازنشستگی زودرس قبلی نشان داده است که این قبیل بازنشستگی‌ها دارای اثرات ضداشتغال است، یعنی با خروج این افراد، سرجمع اشتغال پایدار کاهش می‌یابد و افراد بازنشسته زودرس به‌علت جوان بودن و نیز ارزان بودن عدم مشغول قانون کار و تأمین اجتماعی (...و به‌سرعت فرصت‌های شغلی جدید را اشتغال می‌کنند و جوانان و فارغ‌التحصیلان جدید، بیکار می‌مانند.

۳- بازنشستگی زودرس زنان به نفع جامعه زنان نیز نخواهد بود؛ چراکه نرخ مشارکت زنان در جامعه را پایین می‌آورد و باعث می‌شود کارفرمایان در استخدام مشغول قانون کار و تأمین اجتماعی رغبت نداشته باشند (چراکه اگر قرار باشد یک کارمند خانم، بخش اعظم دوره اشتغال خود را در مرخصی زایمان یا تقییل ساعت کار بابت شیردهی و کار نیمه‌وقت باشد، قاعدتاً کارفرمایان ترجیح می‌دهند از کارمندان مرد استفاده کنند؛ به‌ویژه آنکه با مصوبه جدید، درست در زمانی که کارمند زن، تجربه و مهارت لازم را برای ارائه خدمات تخصصی و مهارتی کسب کرده است، با ۲۰ سال سابقه بازنشسته می‌شود.

۴- بازنشستگی زودرس زنان به نفع جامعه‌مدیران زن نیز نخواهد بود؛ چراکه اگر قرار باشد کارمندان زن با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شوند، عملاً هیچ کدام از مدیران در طراحی مسیر پیشرفت شغلی و نظام انتصابات برای انتصاب زنان به سمت‌های مدیریتی، سرمایه‌گذاری نخواهند کرد؛ به‌ویژه آنکه براساس طرح طبقه‌بندی مشاغل یا نظام‌های امتیازی، رتبه‌بندی، گروه‌بندی شغلی و... غالباً کارمندان (اعم از زن و مرد) پس از ۱۸ سال سابقه خدمت می‌توانند وارد رده‌های مدیریتی شوند؛ لذا حکم بازنشستگی اجباری زودرس زنان با ۲۰ سال سابقه بیمه‌پردازی، عملاً کارفرمایان و مدیران را به سمت انتصاب مردان به مشاغل مدیریتی سوق خواهد داد.

۵- در همه کشورها به تناسب افزایش سن امید به زندگی، حداقل سن و سابقه لازم برای بازنشستگی افزایش می‌دهند ولی در ایران این روند برعکس اتخاذ شده است و با وجود اینکه از دهه ۵۰ شمسی تاکنون سن امید به زندگی حداقل ۲۰ سال بالاتر رفته، حداقل سن و سابقه برای بازنشستگی کاهش یافته است؛ به‌ویژه آنکه سن امید به زندگی زنان در کشور ما بیشتر از مردان هم هست.

نایب رئیس هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی



نگاهی به تبعات ماده الحاقی بازنشستگی زودهنگام برای اشتغال زنان در گفت‌وگو با آذر منصوری

# مصوبه‌ای در تناقض با عدالت جنسیتی

است که بازنشستگی زودتر از موعد مطلوب این زنان باشد. در واقع به‌شخصه متقدم این مصوبه در حکم سرپوشی است بر تبعیض‌ها و شکاف‌های جنسیتی که در واقع ناقص برخی موارد عدالت جنسیتی است.

■ از طرف دیگر حامیان این طرح می‌گویند زنان در برخی از مشاغل خسته می‌شوند و باید زودتر از مردان بازنشسته شوند؛ اما آمارها نشان می‌دهد در طی این سال‌های پیش از نیمی از زنان متقاضیان کار را افرادی تشکیل می‌دهند که قبلاً سابقه حضور در بازار کار را داشته‌اند اما به دلایلی که بازنشستگی‌های پیش از موعد نیز یکی از آن‌هاست، از گردونه اشتغال خارج شده و در زمان و مکان دیگری به‌ناچار خود را به بازار کار (اغلب در بخش‌های غیررسمی) تحمیل کرده‌اند. یعنی این بازنشستگی‌های پیش از موعد، به تعداد شش‌اقلین بخش‌های غیررسمی افزوده است. نگاه شما به این موضوع چیست؟

دقیقاً همین طور است؛ در پاسخ سوال قبل هم توضیح دادم. ببینید معمول سن بازنشستگی در دنیا مشخص است و البته به‌تدریج در این موضوع را تبدیل به یک بحث زنانه یا مردانه‌اش کرده باشند. اینکه گفته می‌شود زنان خسته می‌شوند هم درست نیست؛ این برمی‌گردد به ساعت کار نابرابر زنان و مردان. یعنی زنی که شاغل است علاوه بر کار بیرون، تقریباً تمام کار خانه را نیز عهده‌دار است. این هم یک مسئله فرهنگی است و هم یک مسئله حقوقی. قاعدتاً وقتی زن و مرد هر دو شاغل هستند باید کار خانه هم بین دو نفر تقسیم شود که بحث جداگانه‌ای است. البته در خصوص زمانی که تقاضای بازنشستگی پیش از موعد کنند، بعید به نظر می‌رسد در مشاغل غیررسمی دیگری مشغول به کار شوند. این موضوع را البته نه می‌توان به‌طور مطلق پذیرفت و نه رد کرد. ضمن اینکه طبیعی است کار در مشاغل غیررسمی نیز مصایب خود را برای این دسته از زنان که عموماً ممکن است سرپرست خانواده و یا بدسرپرست باشند هم به دنبال داشته باشد.

■ طبق آمار رسمی، اکنون تعداد زنان شاغل با ۲۰ سال سابقه کار حدود ۳۰ هزار نفر است. یعنی با تصویب این قانون، این تعداد از بازار اشتغال و بیمه‌پردازی خارج می‌شوند و چیزی حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان فقط برای سنوات‌شان باید پرداخت شود. از این رو چنین قانونی علاوه بر حذف کردن تدریجی زنان از بازار کار، سیاستی ضدبیمه‌های اجتماعی نیز تفسیر می‌شود؛ چراکه صندوق‌های بیمه‌ای کشور در آستانه ورشکستگی هستند و تحمیل این هزینه‌ها آن‌ها را با سرعت بیشتری به سمت سقوط پیش می‌برد. نظر شما چیست؟

همان‌طور که گفتید، صندوق‌های بیمه‌ای کشور در شرایط فعلی هم در آستانه ورشکستگی هستند. در حالی که این صندوق‌ها باید در جای خود بتوانند یا پشتوانه لازم نقش حمایتی خود را ایفا کنند. این مصوبه با جدیدی را به صندوق تحمیل می‌کند که در توان این صندوق نیست.

مشارکت زنان در فضای کسب‌وکار کشور و مسئله اشتغال آنان، فانتزی روشنفکرانه و از سر شکم‌سیری طبقه متوسط نیست؛ حرف از امکان تأثیرگذاری در سرنوشت کشور و پیش از آن در سرنوشت خویشتن است. اما اشتغال زنان از روزگار دیرین تا امروز همواره دستخوش مشکلاتی بوده است. بانی این موضوعات در بیشتر موارد فرهنگ مردسالارانه حاکم بر روندهای سیاسی و ساختار حقوقی کشور است. درباره فرهنگ مسلط بر جامعه ایرانی و بستری‌هایی که زمینه‌ساز تولید و بازتولید محدودیت و ممنوعیت مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌شود و قوانینی مانند ماده الحاقی برنامه ششم توسعه که بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه کار را سهولت بخشید و اشتغال بانوان را به مخاطره می‌اندازند، یا مهندسی آذر منصوری، فعال اجتماعی و عضو جمعیت زنان نواندیش گپ و گفتی حاصل شد که در ادامه می‌خوانید.

■ روز شنبه هفته گذشته، در آخرین لحظات کار مجلس بر روی لایحه برنامه ششم، بهارستان نشینان با الحاق ماده‌ای به برنامه ششم مقرر کردند دستگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی غیردولتی تابع صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری یا تأمین اجتماعی موظف‌اند با درخواست بازنشستگی بانوان شاغل که دارای حداقل ۲۰ سال سابقه خدمت هستند و بدون محدودیت سنی، موافقت کنند. از نظر شما چنین ماده‌ای با چه هدفی تدوین و تصویب شده است؟

به نظر می‌آید الحاق این مصوبه به‌گفته مدافعان آن دو هدف را دنبال می‌کند: ۱. ایجاد جای خالی برای زنانی که فرصتی برای اشتغال آنان وجود نداشته و ۲. حضور بیشتر زنان در کنار خانواده که گفته شده این حضور می‌تواند به گرم شدن کانون خانواده کمک کند، که هر دو هدف به نظر من با این مصوبه دست‌نیافتنی تر خواهد شد؛ متأسفانه این طرح با نگاهی روزنایی و نه عمیق به مسائل و چالش‌های زنان ایران به تصویب رسیده و به‌دلایل متعدد، شکاف‌های جنسیتی موجود در شاخص اشتغال زنان ایران را بیشتر می‌کند. متأسفانه بخشی از مشکلات و چالش‌های امروز زنان ایران ناشی از همین نگاه سطحی به مسائل زنان ایران است. مشابه این رویکرد را در قانون کاهش ساعات کاری زنان هم می‌بینیم. در آن قانون هم هدف کمک به زنان شاغل با مختصاتی ویژه بود اما متأسفانه در درازمدت همین فرصت شغلی اندک‌نیز از زنان مورد اشاره در این قانون، گرفته می‌شود. موضوع صندوق‌های بازنشستگی هم بخش دیگری از چالش پس از این قانون است که باید در جای خود به آن پرداخته شود.

■ به نظر می‌رسد برخی از سیاست‌های اجتماعی و قوانین ما در حوزه اشتغال بانوان، نقش بازدارندگی ایفا می‌کنند. از منظر حمایت از اشتغال زنان، فراهم‌شدن امکان بازنشستگی شدن زنان آن هم در سن ۴۰ تا ۴۵ سالگی که اوج یختگی یک شاغل به حساب می‌آید، چه تبعاتی به همراه خواهد داشت؟

ببینید قاعده مرسوم و تجربیات کشورهایی که توانسته‌اند در این زمینه موفق‌تر از ما عمل کنند، پیش روی ماست؛ فقط کافی است نگاهی به این تجربیات داشته باشیم و ببینیم چگونه می‌توان از آن‌ها برای پر کردن شکاف‌های جنسیتی موجود استفاده کرد. این تجربه به ما می‌گوید بهبود وضعیت خانوادها با حذف زنان از اجتماع، اقتصاد و سیاست نه تنها امکان‌پذیر نیست بلکه محدود کردن زنان به خانواده و حذف آنان از سیاست، اجتماع، اشتغال و اقتصاد، در نهایت آثار و

تبعات منفی خود را بر ارکان خانواده نیز باقی می‌گذارد. طبیعی است این مصوبه زنانی را که می‌توانند در محیط کار خود به‌عنوان یک صاحب فن و تجربه پس از سال‌ها کار، اثرگذار باشند تشویق به بازنشستگی زودتر از موعد می‌کند؛ آن‌هم در شرایطی که ما با شکاف جنسیتی بالایی در زمینه اشتغال در کشور مواجهیم. این یعنی نادیده گرفتن سرمایه‌های انسانی که می‌توانند در محیط کار خود نقش‌آفرین باشند، این یعنی کنار گذاشتن ظرفیتی که سال‌ها برای ساختن و شکل‌گیری آن سرمایه‌گذاری شده است و هیچ تضمینی نیز وجود ندارد که کارفرمایان، زنان جویای کار و جوان را جایگزین این زنان کنند. از طرف دیگر این مصوبه در تناقض با عدالت جنسیتی نیز هست که در برنامه ششم توسعه به آن پرداخته شده است. درواقع با این مصوبه، زمینه برای حذف زنان از محیط کار و جایگزینی آنان توسط مردان فراهم‌تر می‌شود.

■ آماری که داریم نشان می‌دهد اکنون از افراد شاغل بیمه‌پرداز حدود ۸۱ درصد مرد هستند و تنها ۱۹ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. با این وجود مسئله مهم نوع بینش مثبت زنان شاغل نسبت به چنین قوانینی است؛ بسیاری از زنان این‌گونه قوانین را حمایت‌کننده می‌پندارند و از تبعات آن در راستای خانه‌نشین کردن زنان، باخبر نیستند. فرهنگ حاکم بر نگرش زنان شاغل در ایران را چه می‌دانید و چرا این استقبال از چنین قوانینی (این قانون و نیز قانون ۹ ماه مرخصی زایمان و...) وجود دارد؟

طبیعی است این مصوبه و قوانین به این زنان که در حال حاضر مشغول به کار هستند کمک می‌کند، اما فقط به خود آنان. ضمن اینکه همین ۹ ماه مرخصی زایمان موجب حذف بلندمدت آنان از محیط کار و جایگزین شدن افراد دیگر به جای آنان می‌شود؛ در حالی که مثلاً کشورهای دیگر هم به پدر و هم به مادری که صاحب فرزند جدید می‌شوند، مرخصی می‌دهند. این یعنی ضمن اینکه هر دو زمان زیادی در محل کار غایب نیستند، در نگهداری فرزند نیز مشارکت می‌کنند. این می‌توانست و می‌تواند شامل سن بازنشستگی نیز بشود. به همان میزان که حضور صادر در کنار خانواده لازم است، حضور پدر نیز لازم است، ضمن اینکه می‌توان سهم زنان را نیز از بازار کسب‌وکار و اشتغال افزایش داد. این یک نگاه کوتاه‌مدت است و به تبع آن توجهی را به شکاف جنسیتی که با این مصوبه در شاخص اشتغال ایجاد می‌شود، بر نمی‌انگیزاند. از طرف دیگر مشکلی که زنان شاغل ایران دارند، این است که در کنار کاری که در بیرون از خانه دارند، تمام مسئولیت‌های خانه و خانواده نیز با آنان است و طبیعی

نیز بیشتر فرزندان فعلی آن‌ها به سن استقلال رسیده‌اند که از لحاظ اجتماعی حضور مادران در خانه برای امر تربیت را توجیه نمی‌کند.» گزیده‌های آماری فصل تابستان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حاکی است که در دو سال منتهی به سال ۹۳، «بیکاران قبلاً شاغل» به ترتیب ۴۸ و ۵۰ درصد بیکاران را تشکیل داده‌اند که سهم زنان به ترتیب ۱۵/۳ درصد و ۱۶/۵ درصد بوده است. به‌عبارت دیگر در طی این سال‌ها علاوه بر اینکه بر میزان افرادی که برای اولین بار خواستار ورود به بازار کار شده‌اند، افزوده شده، در عمل بیش از نیمی از بیکاران را افرادی تشکیل داده‌اند که قبلاً سابقه حضور در بازار کار را داشته‌اند اما به دلایلی از گردونه اشتغال خارج شده و در زمان و مکان دیگری به‌ناچار یا به بازار کار (اغلب در بخش‌های غیررسمی) تحمیل شده‌اند و یا تقاضای شغل مجدد کرده‌اند. تفکیک حوزه‌های عمومی و خصوصی نیز حاوی نکات قابل‌تأمل برانگیزی است. در حالی که تا تابستان امسال، سهم اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در بخش خصوصی (کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی و تعاونی) ۸۳/۹ درصد و در بخش عمومی (مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی) ۱۶/۱ درصد بوده، سهم اشتغال زنان در بخش خصوصی ۷۶/۲ درصد و در بخش عمومی ۲۳/۸ درصد بوده که با آمار زنان قبلاً شاغل همبستگی دارد. مطابق آمارهای بخش خصوصی نسبت به بخش عمومی بیشترین سهم بیکاران قبلاً شاغل را به خود اختصاص داده است. به نحوی که در سال‌های ۹۰ تا ۹۳ سهم این دسته از بیکاران در بخش خصوصی از ۷۶/۱ درصد به ۸۰ درصد رسیده و بیشترین فراوانی را هم گروه‌های «مزد و حقوق‌بگیر» غیردولتی تقویت می‌شود. شیبانی در پاسخ به این سوال که «آیا پذیرفته شده است که به پنهان اشتغال و مبارزه با بیکاری، ورودی یک صندوق را کم کرده و در عوض بر خروجی‌ها اضافه کنیم»، به صراحت می‌گوید که تصمیم‌های اقتصاد سیاسی از جنب صندوق‌ها بی‌توجهی به مالکان اصلی آن‌ها فایده‌است و ادبیات بیمه‌های بازنشستگی و تجارب بین‌المللی، چنین جهت‌گیری را بر نمی‌تابند.»

■ بار مالی سنگین برای صندوق‌های بازنشستگی در شرایطی که تأثیرپذیری نظام‌های بازنشستگی از متغیرهای سه‌گانه سن، سابقه و دستمزد روشن است و در این بین سابقه پرداخت حق بیمه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، حسین مشیری تبریزی سعی می‌کند این موضوع را با تشریح ارتباط میان هزینه‌ها و مدت دریافت مستمری با سن برقراری امید به زندگی توضیح دهد. او با بیان اینکه در سال‌های اخیر، اکثر کشورها به افزایش سابقه پرداخت حق بیمه به مدیریت منابع مالی خود دست زده‌اند، به سال‌های میان‌سال و فاصله معنادار آن با سن امید به زندگی در ایران که اخیراً ۷۵ سال اعلام شده، اشاره می‌کند و می‌گوید: «فرض کنید فردی در سن ۲۵ سالگی وارد بازار کار شود و قرار باشد با ۲۰ سال سابقه کار (در سن ۴۵ سالگی) بازنشسته شود. با در نظر گرفتن امید به زندگی زنان در ایران، این فرد با پرداخت ۲۰ سال حق بیمه، نزدیک به ۱۰ سال حق بیمه کمتری پرداخت می‌کند و از سن نیز ۱۰ سال بر سال‌های دریافت مستمری افزوده می‌شود که در چارچوب محاسبات بیمه‌ای و عقل و منطق، امری مقرون به‌صرفه نیست. ضمن اینکه خروج با ۲۰ سال سابقه از لحاظ اجتماعی نیز توجیهی ندارد و هزینه و فرصت‌هایی که برای رسیدن شاغلان به «خبرگی» صرف شده را بی‌اثر می‌کند.» با این حال ابهام اصلی تعداد و ارقام ریالی هزینه‌هایی است که از محل ماده اخیر بر صندوق‌های بازنشستگی تحمیل می‌شود. بر اساس آمارهای تفصیلی بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی، تا انتهای سال ۹۴ تعداد بیمه‌پردازان با سابقه ۲۰ سال بیمه‌پردازی و بیشتر در این سازمان، حدود ۷۲۷ هزار نفر و متوسط دستمزدشان نیز حدود یک میلیون و ۸۱۱ هزار تومان بوده است. با این وجود تفکیک جنسیتی بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از رقم کل بیمه‌شدگان را زنان تشکیل می‌دهند که اگر همین نسبت را برای افراد دارای ۲۰ سال سابقه و بیشتر هم در نظر بگیریم و آن دسته از زنانی که دولت پرداخت حق بیمه آن‌ها را پذیرفته را از جمع کل کم کنیم، تعداد کسانی که قانون بازنشستگی با ۲۰ سال در مورد آن‌ها صدق می‌کند، به حدود ۳۰ هزار نفر می‌رسد. مدیر کل دفتر آمار و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید از نظر ریالی، بار مالی کلان تصمیمی که به گفته‌ی وی هیچ نیازی به آن نبوده و تنها بنیان‌های صندوق‌های بازنشستگی را با شدت بیشتری تهدید می‌کند، بیش از ۷۵ برابر بحران صندوق به بحران نشسته فولاد است: «ظواهر نه طراحان و نه موافقین به ابعاد واقعی بار مالی ناشی از این مصوبه توجه نداشته‌اند! اگر فرض کنیم آخرین دستمزد این ۳۰ هزار نفر مشمول، ماهیانه ۲ میلیون تومان باشد، برای ۲۰ سال سابقه بیمه‌پردازی افراد باید حق سنواتی معادل ۱۲۰۰ میلیارد تومان پرداخت شود. ضمن اینکه محاسبات ما نشان می‌دهد تنها بار مالی تحمیلی به صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی، تقریباً ۳ برابر این مبلغ است.»





از رسانه‌ها

حامد شمس

## واکنش معکوس به یک بحران

بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان معتقدند وضعیت بحرانی صندوق بازنشستگی، یکی از سه اولویت نخست اقتصادی و یکی از ۱۰ اولویت مهم در سطح ملی به حساب می‌آید. از این رو، انتظار این است که اگر تصمیم‌گیران راهکارهایی برای عبور از این بحران اتخاذ نمی‌کنند، بر دامنه ابعاد بحران اضافه نکنند. تصمیم هفته گذشته مجلس درباره تعیین سابقه زنان در بازنشستگی، نهنتها مرهم درد نیست، بلکه می‌تواند ابعاد بحران صندوق‌ها را عمیق‌تر از گذشته کند. به عقیده کارشناسان تصویب هرگونه قوانین مربوط به صندوق‌های بازنشستگی به‌دلیل پیامدهای طولانی و بین‌نسلی، باید با محاسبه بار مالی آن در برهه زمانی بلندمدت صورت گیرد. اگرچه برخی این سیاست را تصمیمی در حمایت از بانوان دانسته‌اند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد با توجه به نرخ پایین مشارکت در اشتغال از سوی بانوان، تصویب این سیاست موجب کم‌رنگ شدن نقش آنان در بازار کار می‌شود. در نتیجه نمی‌توان از آن به‌عنوان سیاستی مناسب در برنامه ششم توسعه یاد کرد. اگرچه این سیاست به‌عنوان سیاستی عامه‌پسند، شاید از پشتوانه مردمی برخوردار باشد، اما سوال مهم این است که آیا با توجه به بحران صندوق‌های بازنشستگی، تبعات اقتصادی این تصمیم ارزیابی شده است؟ صندوق‌های بازنشستگی نهادهایی هستند که اصطلاحاً به صندوق‌های بین‌نسلی معروف‌اند اما نهادهای دولتی و غیردولتی در سال‌های مختلف، فارغ از جریانات سیاسی، تعهدات بسیاری بر این صندوق‌ها تحمیل کرده‌اند و از آنجا که سررسید این تعهدات مربوط به آینده است، عملاً صندوق‌ها مورد غفلت سیاستمداران و سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند و به‌طور مستمر، تنها به دلیل تأمین منافع کوتاه‌مدت منابع پیش‌خور و آینده‌انگاشته شده است. تصویب بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه بدون دریافت نظرات کارشناسی، در حالی صورت می‌گیرد که محاسبات اکچوئری (بیمه‌ای) تأکید می‌کنند که تصویب هرگونه قوانین مربوط به صندوق‌های بازنشستگی به دلیل پیامدهای طولانی و بین‌نسلی باید با محاسبه بار مالی آن در برهه زمانی بلندمدت صورت گیرد. بررسی این تصمیم نشان می‌دهد این مصوبه مانند سایر تصمیم‌های هزینه‌بر سابق، بدون انجام محاسبات بیمه‌ای انجام شده است. تحقیقات صورت گرفته، تنها در یک نهاد از صندوق‌های ۱۶گانه کشور، یعنی صندوق بازنشستگی کشوری، حاکی از آن است که تاکنون ۲۸ قانون، مقررات یا مصوبه توسط نهادهای حاکمیتی مثل دولت و مجلس طی ۴۰ سال گذشته بدون در نظر گرفتن بار مالی به تصویب رسیده است. محاسبات اکچوئری صورت‌گرفته نشان می‌دهد بار مالی این ۲۸ مصوبه که تحت عنوان قوانین قاتل از آنها یاد می‌شود، به بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد که این مصوبه به‌عنوان بیست‌ونهمین مصوبه‌ی می‌تواند حجم بالای تعهدات و بار مالی را برای تمامی نهادهای بیمه‌گر اجتماعی از جمله صندوق بازنشستگی کشوری به همراه آورد. برآوردهای اولیه حاکی از بار مالی بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی طی ۵ سال آینده برای تمامی صندوق‌هاست. آمارهای اعلام‌شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از صندوق‌های بازنشستگی یا به‌طور کامل ورشکسته شده‌اند یا اتکای قابل توجهی به منابع دولتی دارند. اگر بگوئیم پیامدهای این مصوبه که بر تمام صندوق‌های ۱۶گانه بازنشستگی در کشور اثرگذار خواهد بود غیرقابل محاسبه است، بی‌راه ن‌گفته‌ایم؛ چرا که بازنشستگی پیش از موعد به این معنی است که صندوق‌های بازنشستگی ضمن اینکه سال‌ها کسورات کمتری از شاغلان دریافت می‌کنند و منابع آنها ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود، باید سال‌ها زودتر و بیشتر نیز تعهدات خود را به افراد بازنشسته پرداخت کنند که بار مالی قابل توجه آن هنوز هم در حال محاسبه است. یادآوری این نکته بدنیست که در سال جاری صندوق‌های بازنشستگی نزدیک به ۴۰ هزار میلیارد تومان به مصارف دولت تحمیل کردند که در سال آینده نیز بدون در نظر گرفتن مصوبات اخیر مجلس، این عدد به ۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. در نتیجه می‌توان گفت که اگر همه منابع دولت تا پایان برنامه ششم توسعه تأمین شود، باید این منابع صرف کمک به صندوق‌های بازنشستگی شود. از سوی دیگر و براساس آمار رسمی دولت میزان مشارکت زنان در بازار کار ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در دنیاست. تصویب قانون بازنشستگی زنان با سابقه ۲۰ سال و صرف‌نظر از سن، خروج حدود یک‌سوم از زنان شاغل را در پی دارد و اتفاقاً سبب مرادتر شدن بازار کار در کشور می‌شود. اگرچه این مصوبه، با انگیزه‌های خیرخواهانه تصویب شده باشد، آسیب‌های فراوانی را به مشارکت زنان خواهد زد و می‌توان آن را به نوعی قانونی علیه زنان تلقی کرد.

کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی بخشی از یادداشت منتشرشده در روزنامه دنیای اقتصاد مورخ ۹۵/۱۱/۰۴

## خسارت برای بازار کار و صندوق‌ها

رئیس انجمن محاسبات بیمه و مالی ایران در مورد تبعات بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه کار اظهار داشت: «صندوق بازنشستگی کشوری با ۸۵ درصد کسری بودجه روبه‌روست و در صورتی که تنها ۱۰۰ هزار نفر از این قانون استفاده کنند تا ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بار مالی برای صندوق کشوری در سال بعد به همراه دارد.» امین حسن‌زاده با انتقاد از رویه کاهش سن بازنشستگی در ایران و بحران صندوق‌های بازنشستگی گفت: «دوران بازنشستگی در کل دنیا حدود ۱۵ سال از عمر افراد است اما با قوانینی که در ایران تصویب می‌شود عمر این دوره را تا ۳۰ سال از عمر افراد می‌رسانیم که برای هردو حوزه بازار کار و صندوق‌ها بحران‌زااست.»

## ۱۰ آتیه‌نو

## ویس‌شده

بازنشستگی زودهنگام زنان

سهیلا جلودارزاده در گفت‌وگو با آتیه‌نو از دلایل و ابعاد مصوبه مجلس در خصوص بازنشستگی پیش از موعد زنان می‌گوید:

# اگر پیامدها قابل تحمل نباشد، اصلاح می‌کنیم

لایحه مصوب برنامه ششم توسعه با همه جزئیات آن، از مجلس شورای اسلامی روانه شورای نگهبان شده است تا در آنجا مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. در میان مواد و تبصره‌های این پیش‌نویس، ماده مربوط به بازنشستگی پیش از موعد زنان بدون قید سنی با ۲۰ سال سابقه کار، در بین کارشناسان رفاه و تأمین اجتماعی، نگرانی‌هایی جدی ایجاد کرده است. این ماده به دنبال خودسبیلی از نظرات کارشناسی را درباره تبعات اقتصادی و اجتماعی آن به راه انداخته چراکه نظیر موارد مطرح‌شده در این ماده الحاقی، در سال‌های گذشته سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی را متحمل آسیب و ضررهای زیادی کرده است و بیم این می‌رود که منابع و منافع سازمان تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌های بازنشستگی، بار دیگر از محل بازنشستگی‌های پیش از موعد در معرض آسیب قرار گیرد. در این بین تعدادی از نمایندگان مجلس حامی قانونی شدن این مصوبه هستند و چشم‌انتظار تأیید شورای نگهبان، به‌زعم این عده از نمایندگان، بازنشسته شدن پیش از موعد از حقوق واقعی زنان است، تا جایی که سهیلا جلودارزاده نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس دهم در گفت‌وگو با آتیه‌نو آن را یک گام در جهت حمایت از بانوان شاغل کشور می‌داند. با او همچنین در رابطه با ابعاد مختلف این مصوبه و تأثیراتی که بر کیفیت و کمیت اشتغال زنان و نیز هزینه‌هایی که بر دوش صندوق‌های بازنشستگی می‌گذارد گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

خورشید بهشتی  
خبرنگار درمان

■ در آخرین گزارش‌های رسیده از فعالیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با لایحه برنامه ششم توسعه، از الحاق ماده‌ای در خصوص بازنشستگی پیش از موعد برای زنان دارای ۲۰ سال سابقه کار بدون در نظر گرفتن شرط سنی، باخبر شدیم. بر اساس چه سیاستی این موضوع به شکل یک ماده به این لایحه پیوست شد؟

با توجه به جایگاه خاصی که خانواده در جامعه اسلامی ایران دارد و وقتی که زنان به فرزندپروری و مدیریت منزل اختصاص می‌دهند، طبیعی است که زنان در سنین خاصی از فعالیت‌های شغلی‌شان احساس کنند لازم است به خانه برگردند و دیگر کار نکنند. البته این موضوع جدیدی نیست و سال‌ها پیش برای پاسخ‌گویی به همین نیاز بود که قانون بازنشستگی زنان با ۴۲ سال سن و ۲۰ سال سابقه مطرح و در قوانین تأمین اجتماعی جای گرفت. در این بین، در حق عده‌ای از خانم‌ها که مشمول این قانون نمی‌شدند، اجحاف می‌شد. یعنی کسانی که کارمند دولت اما تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی بودند مشمول این قانون نمی‌شدند. در واقع ماده‌ای که در خصوص بازنشستگی پیش از موعد زنان به لایحه برنامه ششم اضافه شد برای سراسری کردن این قانون و رفع تبعیض در مورد اجرای آن بین زنان شاغل بود.

■ به نظر می‌رسد در خصوص این ماده و شرایط آن توافق بین نمایندگان مجلس وجود ندارد. مثلاً یکی از خانم‌های نماینده مجلس که از موافقان این طرح هم هستند و رئیس فراکسیون اشتغال و کارآفرینی مجلس، از شرایطی چون در عسر و حرج بودن، داشتن فرزند معلول و یا زیر شش سال و... صحبت کردند که به‌عنوان شرایط و تبصره قرار است به این ماده الحاقی پیوست شود. ایشان احتمالاً موضوع را اشتباه بیان کرده‌اند و دچار خلط‌مبحث شده‌اند. آن چیزی که ایشان درباره آن صحبت کردند به برنامه ششم کوچک‌ترین ربطی ندارد و مربوط به یکی از مصوبات مجلس قبل بود که از شورای نگهبان برگشت و ما باید آن را اصلاح می‌کردیم. یعنی مصوبه‌ای که به سبب آن خانم‌های کارمند یا کارگری که یک یا دو بچه معلول یا زیر شش سال داشته باشند می‌توانند یک ساعت زودتر از بقیه کارمندان و کارگران به منزل بروند.

■ به نظر می‌رسد در خصوص این ماده و شرایط آن توافق بین نمایندگان مجلس وجود ندارد. مثلاً یکی از خانم‌های نماینده مجلس که از موافقان این طرح هم هستند و رئیس فراکسیون اشتغال و کارآفرینی مجلس، از شرایطی چون در عسر و حرج بودن، داشتن فرزند معلول و یا زیر شش سال و... صحبت کردند که به‌عنوان شرایط و تبصره قرار است به این ماده الحاقی پیوست شود.

ایشان احتمالاً موضوع را اشتباه بیان کرده‌اند و دچار خلط‌مبحث شده‌اند. آن چیزی که ایشان درباره آن صحبت کردند به برنامه ششم کوچک‌ترین ربطی ندارد و مربوط به یکی از مصوبات مجلس قبل بود که از شورای نگهبان برگشت و ما باید آن را اصلاح می‌کردیم. یعنی مصوبه‌ای که به سبب آن خانم‌های کارمند یا کارگری که یک یا دو بچه معلول یا زیر شش سال داشته باشند می‌توانند یک ساعت زودتر از بقیه کارمندان و کارگران به منزل بروند.

■ در باره برنامه ششم توسعه، می‌فرمایید خانم‌ها به خاطر اهمیتی که به خانواده می‌دهند باید زودتر بازنشسته شوند و به خانه برگردند و در واقع آن نوعی برنامه حمایتی از نهاد خانواده می‌دانیم. اما آمار و تجربه نشان می‌دهد بسیاری از خانم‌هایی که با استفاده از بازنشستگی پیش از موعد در سنی که هنوز توان کار کردن دارند بازنشسته می‌شوند، نه تنها به خانه بر نمی‌گردند بلکه از طریق بازار کار غیررسمی

خبر. این قانون برای کارفرمایان از این حیث مشکلی پیش نمی‌آورد، می‌دانید چرا؟ چون

در حال حاضر برخی کارخانه‌ها نیروی خانم استخدام می‌کنند اما بعد از چند وقت نیروهای فعلی را با نیروهای جدید جایگزین می‌کنند و در این چرخه دختران جوان زیادی با تنها یک سال کار کردن بیکار می‌شوند. یعنی می‌خواهیم بگوئیم برخی کارفرمایان خودشان ضد اشتغال زنان حرکت می‌کنند و منتظر این‌گونه

برای ادامه کار نخواهند داشت یا این مصوبه می‌تواند بازنشسته شوند و جای خود را به نیروی جوان تحصیل‌کرده متقاضی کار دهند. «نماینده تهران با مطلوب خواندن رویکرد پیشنهاددهندگان ماده الحاقی تأکید کرد: «یکی از پشتوانه‌های ما در دادن چنین پیشنهادی در مجلس درخواست بسیاری از بانوان بود که در مشاغل بعضاً سخت و دشوار مشغول کارند و معتقدند نمی‌توانند تا ۳۰ سال کار کنند و بعد از آن حقوق و مزایای بازنشستگی دریافت کنند، درخواست آنها بازنشستگی پیش از موعد است.»



مصوبات نخواهند ماند.

■ یعنی قبول دارید که این مصوبه ضد اشتغال زنان است؟ شما در این سال‌ها یکی از پرکارترین فعالان کارگری بوده‌اید و از منافع کارگران و صندوق بیمه آنان یعنی سازمان تأمین اجتماعی دفاع کرده‌اید. ماده الحاقی در مورد بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه، از نظر بسیاری کارشناسان ممکن است موجب تحمیل فشار به منابع این صندوق بین‌نسلی شود. بیمه‌شده‌ای که ۲۰ سال بیمه پرداخته است به یک‌باره به جمع مستمری‌بگیران اضافه می‌شود و قرار است بیش از ۴۰ سال از این صندوق که دچار مشکلات جدی در تأمین منابع است، مستمری دریافت کند. فکر نمی‌کنید تصویب چنین قوانینی، خطری جدی برای تعادل این سازمان تأمین اجتماعی باید آمار دقیقی از پیامدهای احتمالی این مصوبه به نمایندگان حامی این طرح می‌داد. در مجلس کسی در این باره حرفی نزد. ما هم همیشه از منافع سازمان دفاع می‌کنیم لذا اگرچه این مصوبه، یک مصوبه لحظه آخری بود ولی سعی کردیم طی آن لطمه جدیدی به سازمان نخورد. در مجموع هم جای نگرانی نیست. اولاً متقاضیان این بازنشستگی تعدادشان کم است و دوماً همه زنان دارای ۲۰ سال سابقه کار، داوطلب اجرای این مصوبه در مورد خودشان نیستند. زنی که بچه‌هایش بزرگ شده و سروسامان گرفته باشند و در خانه بیکار باشد که نمی‌خواهد خودش را زود بازنشسته کند، آن هم وقتی تنها قرار است معادل ۲۰ روز حقوق مستمری بگیرد. اگر پیامدهای آن واقعا قابل تحمل نباشد، پس از برگشت از شورای نگهبان آن را اصلاح خواهیم کرد؛ اما مطمئن باشید که فایده آن بیش از ضررهایش خواهد بود. علاوه بر این بنا بر گزارش دکتر ربیعی، وزیر محترم کار، تنها در سال گذشته حدود ۱۰۰ هزار اخراجی زن داشتیم. به این ترتیب آمار زنان شاغل، از

توجه دارید که از ۱۰۰ درصد بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی ۸۱ درصد مرد و تنها ۱۹ درصد زن هستند. هر تصمیمی می‌تواند بقای همین درصد اندک را در فضای کار کشور با مخاطره روبه‌رو کند... این سیاستی نیست که کل این ۱۹ درصد را درگیر کند، چند نفر از این ۱۹ درصد مگر ۲۰ سال سابقه کار دارند؟

■ حدود ۳۰ هزار نفر. علاوه بر این، بیشتر زنان جوای کار زنان جوان بین ۲۰ تا ۳۰ سال نیستند، اتفاقاً زنانی هستند که در دوره میانی زندگی‌شان یعنی دهه ۴۰ عمرشان به سر می‌برند. این هم به معنی آن است که نسبت زنانی که قرار است وارد سیستم شوند، نسبت به کسانی که از سیستم خارج می‌شوند برابر نیست... این موضوع را چطور ارزیابی می‌کنید؟ این آمارها را به دستم برسانید، بررسی می‌کنیم.

رئیس فراکسیون زنان در پاسخ به انتقادات برخی فعالان زن مبنی بر خارج شدن زنان از گردونه کار با چنین مصوبه‌ای، گفت: «این موضوع به هیچ عنوان درست نیست؛ چون این کار با اختیار نیست؛ یعنی منبع مالی برای اجرای آن قانون تعریف نشده است، گفت: «کسی که مشغول به کاری است و بیمه شده است از ابتدا با پرداخت حق بیمه خود منابع بازنشستگی را تأمین می‌کند. این فرد به مدت ۲۰ سال حق بیمه پرداخت کرده و پولش را در اختیار صندوق بازنشستگی قرار داده تا بعد از بازنشستگی ثمره‌اش را دریافت کند. پس دیگر بار مالی معنایی ندارد؛ چون بیمه‌گذار از همان ابتدا حق بیمه را پرداخت کرده است.»

پروانه سلحشوری در پاسخ به انتقادات از مصوبه اخیر مجلس:

## بازنشستگی پیش از موعد زنان بار مالی ندارد!



رئیس فراکسیون زنان در پاسخ به انتقادات برخی فعالان زن مبنی بر خارج شدن زنان از گردونه کار با چنین مصوبه‌ای، گفت: «این موضوع به هیچ عنوان درست نیست؛ چون این کار با اختیار نیست؛ یعنی منبع مالی برای اجرای آن قانون تعریف نشده است، گفت: «کسی که مشغول به کاری است و بیمه شده است از ابتدا با پرداخت حق بیمه خود منابع بازنشستگی را تأمین می‌کند. این فرد به مدت ۲۰ سال حق بیمه پرداخت کرده و پولش را در اختیار صندوق بازنشستگی قرار داده تا بعد از بازنشستگی ثمره‌اش را دریافت کند. پس دیگر بار مالی معنایی ندارد؛ چون بیمه‌گذار از همان ابتدا حق بیمه را پرداخت کرده است.»

رئیس فراکسیون زنان مجلس با تأکید بر اینکه مصوبه مجلس درباره بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰ سال سابقه کار به معنای کاهش حضور آنها در فعالیت‌های اجتماعی نیست، تأکید کرد: «در این مصوبه به زنان برای بازنشستگی اختیار داده شده است و اجباری برای بازنشستگی پیش از موعد آنها نیست.» به گزارش ایسا، پروانه سلحشوری در تشریح مصوبه مجلس در برنامه ششم توسعه در باره بازنشستگی زنان با ۲۰ سال سابقه به انتقادهای برخی از فعالان زن نسبت به این مصوبه اشاره کرد و گفت: «این مصوبه به زنان اختیار می‌دهد در صورت تمایل با ۲۰ سال بازنشسته شوند، یعنی درخواست بازنشستگی کاملاً اختیاری است و هیچ زور و فشاری وجود ندارد که آنها باید حتماً با ۲۰ سال بازنشسته شوند.» وی ادامه داد: «طبیعتاً کسانی که دیگر علاقه‌مندی به ادامه کار ندارند و به هر دلیلی احساس می‌کنند بهره‌وری لازم را



یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ ● شماره نود

A T I V E H N O